

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری

gholam.akbari@gmail.com

ادیتور: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۰۱
۲۴ آبان ۱۴۰۰
۱۵ نوامبر ۲۰۲۱

دوشنبه ها منتشر میشود



مرضیه طاهریان
قربانی حجاب
در محیط های کار

غلام اکبری
محیط های کار به مرکز استثمار
حداکثری و چپاول و غارت زندگی
و معیشت کارگران توسط کارفرمایان
و مافیای اسلامی تبدیل شده است.
این زالوها، قطره قطره خون کارگران
را میمکنند، ماهها دستمزد کارگران را
به گرو میگیرند و اگر هم بتوانند که
بالا میکشند. سودهای هنگفت
خود را با هزینه نکردن برای ایمنی
محل کار بیشتر و بیشتر میکنند. از
جمله دستگاهها و ماشین آلات
فاقد کمترین استانداردهای ایمنی است و
ساده ترین اصول ۱۰ صفحه

پیامها و اسناد

بد کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ویژه کنگره ۱۲ حزب دیدن کنید!

<https://wpiranfa.com/?cat=3524>



نقطه صفر قرار گرفته ایم و حالا زمان صفحه ۲

خلع ید از بخش خصوصی
در هفت تپه چه هستند؟ الان
مالکیت هفت تپه در اختیار
کیست؟

شهلا دانشفر: کارگران
نیشکر هفت تپه بعد از خلع
ید جشن گرفتند و اعلام
کردند که ما تازه با خلع ید از
باند مافیایی اسد بیگی در

هفت تپه بعد از خلع ید از بخش خصوصی

گفتگو با شهلا دانشفر در
برنامه تلویزیونی خط رفاه
حسن صالحی: آخرین
تحولات مربوط به بعد از

قانونی برای پایمال کردن حق

قانونی که رژیم اسلامی
سرمایه برای کارگر تنظیم کند
چیزی نیست جز محکم
کردن زنجیرهایی که بر دست
و پای کارگران زده شده است.

بیکاری و بیمه بیکاری؛ نیاز سرمایه و مبارزه کارگران (۲)

یاشار سهندی

البته این در همه جای این کوه
خاکی که بر آن تولید سرمایه
داری حاکم است یک قاعده
است. ما در اینجا قصد
مقایسه تطبیقی قوانین رژیم
اسلامی با قوانین دیگر
کشورها را نداریم اما تا آنجا
که قرار است حقی از کارگر
ضایع کنند یا در پناه قانون
حقی را به رسمیت نشناسند،
قانون گذاران سرمایه در همه
جا خیلی رک و صریح هستند
و هیچ ابهامی باقی
نمی گذارند. صفحه ۶

استار جنایت با وقاحت!

"شما از ما می خواهید درباره برجام با شما مذاکره
کنیم اما به جای اینکه حسن نیت نشان دهید به یک عده
"تروریست" اجازه داده اید که اینجا دادگاه بگذارند و ما را
محاکمه کنند."

علی باقری کتی معاون وزیر خارجه جمهوری
اسلامی خطاب به دول اروپائی در اعتراض به دادگاه آبان
تربینال

این اظهار لحنیه تهدید نیست، تلاشی صفحه ۹

حجاب آلت قتاله است!

"مرضیه طاهریان، یک کارگر زن ۲۱ ساله در کارخانه
ریسندگی واقع در شهرک صنعتی شرق سمنان به
علت گیر کردن مقنعه در دستگاه رینگ ریسندگی و
کشیده شدن سر به داخل دستگاه جانش را از دست
داد. در این گونه حوادث بی احتیاطی از سوی
کارگر و کارفرما عامل اصلی بروز حادثه است که در
این مورد نیز پس از بررسی دقیق

صفحه ۹

اعتراضات کشاورزان در اصفهان

شهلا دانشفر

صفحه ۵

دیگر مطالب این شماره

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است (ص ۲۳)

۱۷ آبان: اعتراضات کارگران سمنتکو، معادن زغال سنگ و نیشکر هفت تپه (ص ۲۲)

اعتصاب بزرگ و پرشور کارگران ایران خودرو در مشهد، نرسید، نرسید، ما همه با هم هستیم (ص ۲۱)

تحصن مریدان پیش دبستانی ایده، تجمع معلمان بازنشسته و اعتراض کارگران سابق فولاد زاگرس (ص ۲۰)

در کنگره حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کنید! (ص ۱۹)

بیانیه سه نهاد سیاسی در مورد سالگرد آبان ۹۸: هم می ایستیم و هم ادامه میدهیم! (ص ۱۸)

۲۰ آبان: تظاهرات و تجمعات بزرگ و سراسری معلمان در ۴۸ شهر، معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است! (ص ۱۷)

گزارش تکمیلی از تجمعات معلمان در بیش از هفتاد شهر (ص ۱۶)

اخبار و گزارشاتی از درد و رنج و مبارزه مردم خوزستان (ص ۱۴-۱۵)

تجمعات بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز، معلمان خرید خدمت در قزوین و نیشابور و سه خبر دیگر (ص ۱۳)

یک موفقیت مهم برای کارگران ارکان ثالث نفت در پارس جنوبی (ص ۱۲)

ادامه اعتراضات ۳۵۰۰ کارگر معادن زرنند کرمان و تجمعات کارکنان مخابرات سبزوار و شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز (ص ۱۲)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هفت تپه بعد از خلع ید از بخش خصوصی

صفحه ۱

آنست که پیگیر خواستها و مطالبات بشویم و طی این مدت ما شاهد همین روند در این شرکت 5 هزار نفره کارگری بودیم. جمهوری اسلامی و مقامات دست اندر کار مدتی طول دادند. دست بدست کردند تا بلکه کارگران را عقب بزنند و جلوی پیشروی آنها را بگیرند. اما کارگران نیشکر هفت تپه به اعتصاب خود ادامه دادند و دست به تجمع زدند و اعلام کردند و گفتند حالا که شما جواب نمیدهید و طول می‌دهید. ما منتظر نمی‌مانیم و از همین الان کار نظارت بر پیشبرد امورات شرکت را شروع میکنیم. از جمله شروع به اخراج مدیران اختلاسگر و فاسد کردند. کارگران همچنین وقتی دیدند که شورای اسلامی تحرکی پیدا کرده و مشغول توطئه‌گری هستند، مقابلش ایستادند و با گل گرفتن در آن عملاً آنرا منحل کردند. مهمتر از همه کارگران نیشکر هفت تپه به ابزار نظارت شورایی خود ساختار دادند و اعلام کردند که نظارت شورایی ما به اتکاء مجمع عمومی 5 هزار نفره و مجمع نمایندگان منتخب آن انجام میگیرد و این شورا و تشکل ما کارگران نیشکر هفت تپه است. بدینگونه این کارگران شورای خود را رسماً

و هم جامعه.

حسن صالحی: از این تغییر و تحولاتی که اشاره کردید چقدر میگذرد و بدنال آن چه گذشته است؟

شهلا دانشفر: یکماهه از این تغییر و تحولات میگذرد و بدنال آن اولین کاری که کارگران انجام دادند این بودند که لیستی از مدیران بازنشسته فاسد که عوامل باند مافیایی اسدیگی بودند را به مدیریت شرکت توسعه و صنایع (هفت طرح) اعلام کرده و خواستار اخراج فوری آنها از شرکت شدند و اولتیماتوم دادند که اگر این کار اجرایی نشود دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

حسن صالحی: اولین سوالی که پیش می‌آید و من بسیار کنجکاویم که بدانم اینست که آیا با تغییر مدیریت تغییری در وضعیت کارگران ایجاد شده است. بطور مثال آیا حقوقهای معوقه کارگران پرداخت شده است؟ آیا اقداماتی در جهت پاسخگویی به خواستهای کارگران صورت گرفته است؟

شهلا دانشفر: بخشی از مطالبات کارگران زیر فشار اعتراضات و ایستادگی آنها پاسخ گرفته است. از جمله پرداخت دستمزدها به روز شده است. همین یک قلم خودش یک دستاورد مهم و بیسابقه است. خصوصاً در شرایطی که تعویق پرداخت دستمزدها در همه جا

به یک نرم اجتماعی تبدیل شده است و این موفقیت کارگران نیشکر هفت تپه بطور واقعی جنبش برای پرداخت بموقع دستمزدها را گام مهمی به جلو برده و راه نشان میدهد. کارگران نیشکر هفت تپه در همان ابتدا که خلع ید از اسدیگی و باند او اعلام شد تاکید کردند و گفتند که این فقط و فقط نتیجه مبارزات 5 ساله خود ما کارگران است. ما زور داریم و میتوانیم خواستهایمان را بقبولانیم. با همین قدرت است که این کارگران توانستند از اسد بیگی و باند او خلع ید کنند. آنها را به محاکمه بکشانند، حقوقهای خود را به روز کنند، کاری کنند که قرارداد کارگران فصلی تمدید شود و همچنین سه نفر از همکاران اخراجی مطالبه گر خود را سر کار بازگردانند و الان هم پیگیر بازگشت اسماعیل بخشی از نمایندگان محبوب خود به سر کار هستند. البته با کارگران فصلی قرارداد بسته شد. منتها این قرار دادها تا اسفند ماه است و تاکید کارگران بر دانمی شدن استخدام آنهاست.

حسن صالحی: شما در ابتدای صحبت خود به تاکید کارگران نیشکر هفت تپه به نظارت شورایی در فعالیت‌ها و امور اداری شرکت اشاره کردید. خواست کارگران اعمال نظارت برای تامین منافع کارگران است.

در همین رابطه می‌بینیم که این کارگران مجمع نمایندگی خود را انتخاب کردند و شورای خود را تشکیل دادند و اتفاقاتی هم افتاد؟ سوال من اینست که نظارت شورایی که خواست کلیدی کارگران هفت تپه بوده قرار است به چه ترتیبی اجرایی شود؟ در این زمینه طی این مدت چه اتفاقاتی افتاده است؟

شهلا دانشفر: همانطور که بحث آن شد اولین کاری که کارگران نیشکر هفت تپه انجام دادند این بود که شورای خود را به عنوان ابزار پیشبرد این نظارت ایجاد کردند. و این مساله نه فقط برای خود کارگران نیشکر هفت تپه بلکه برای کل جنبش کارگری حائز اهمیت است. این کارگران در عمل نشان دادند که شوراهای کارگری را در همه جا میشود تشکیل داد و جایگاه و کارایی شورا و تصمیم‌گیری شورایی به اتکاء مجمع عمومی کارگری را به عنوان ابزار اعمال اراده جمعی و ظرف پیشبرد قدرتمند و متحد مبارزات در جلوی چشم کارگران و کل جامعه قرار دادند. بطور واقعی نیز تنها راهی که میتوانست 5 هزار کارگر را در مقابل اینهمه تشبثات از امنیتی کردن فضای شرکت و پرونده سازیها و دستگیری‌ها و شکنجه کردن‌ها و اخراج کارگران گرفته تا تلاش برای تفرقه افکنی در میان صفوف کارگران متحد نگاه دارد اتکاء به صفحه ۳



هفت تپه بعد از خلع ید از بخش خصوصی

صفحه ۲ همین

تصمیم گیری جمعی و شورایی بود. با قدرت شورایی بود که کارگران نیشکر هفت تپه توانستند صف اعتراض خود را متحد نگاهدارند و با قدرت جلو بروند و کاری کردند که نه تنها از اسدیگی و باند او خلع ید شد، بلکه آنها را به محاکمه کشاندند. و همه اینها نشان داد که موثرترین راه حفظ ادامه کاری و امنیت و موفقیت هر مبارزه ای اتکاء به مجمع عمومی کارگری و تصمیم گیری جمعی است. موثرترین راه ایستادن در مقابل تفرقه افکنی ها نیز همین است. کارگران نیشکر هفت تپه با چنین سطح عالی ای از سازمانیافتگی توانستند این پیشروی ها را داشته باشند و امروز به یک سنگر مهم جنبش کارگری تبدیل شده اند. این کارگران با مسلح بودن به چنین ابزاری تعریف کردند که نظارت شورایی یعنی چه. از جمله خواهان برکناری مدیران فاسد و تعیین مدیران هر بخشی توسط خود کارگران شدند. بر برپایی ماهی یکبار مجمع عمومی به عنوان محلی برای تصمیم گیری جمعی همه کارگران بر سر روال کار شرکت و محلی برای گزارشدهی مجمع نمایندگی کارگران و پیگیری کارها تاکید گذاشتند. همچنین از ضرورت تشکیل مجمع عمومی در آغاز هر روز برای تصمیم گیری در مورد امورات جاری شرکت سخن گفتند و بالاخره تاکید کردند که حق کارگران است که هر گاه نیاز دیدند و ضروری بود فوراً جمع شوند و مجمع عمومی تشکیل دهند و تصمیم گیری کنند. این درجه از سازمانیافتگی و

حسن صالحی: من سوالم

این است که الان بالاخره مدیران و یا مدیران باند اسدیگی ممکن است هنوز وجود داشته باشند و یا پشت پرده در کار کارگران موش بدوانند؟ در این دوره چنین مواردی بوده است؟ اگر بوده کارگران چگونه با آن برخورد کرده اند؟ اگر ممکن است در این رابطه عملکرد مجمع نمایندگان و چگونگی نظارت شورایی از جانب کارگران را بیشتر باز کنید؟

شهلا دانشفر: بله جمع

کردن بساط باند اسدیگی از هفت تپه یک پروسه کشداری بوده و هست. علیرغم اینکه خلع ید را اعلام کرده بودند اما برای ابلاغ رسمی آن مرتباً تلاش داشتند کارگران را سر بدوانند و خسته کنند. مرتباً مقاومت کردند که حتی اگر شده مهره هایی از خودشان را همچنان نگاهدارند. از جمله بعد از خلع ید از اسدیگی تعدادی از مدیران بازنشسته وابسته به باند وی همچنان سر کار بودند، بطوریکه کارگران تعدادی از آنها

را خودشان از شرکت بیرون کردند. همانطور که اشاره کردم کارگران لیست تعدادی از این مدیران را به مدیریت هفت طرح دادند و بر اخراج آنها تاکید کردند. الان هم در هر کجا که با انتخاب مدیرانی روبرو شده اند که در جهت همان روال گذشته میکوشند کار کنند، کارگران بشدت مقابله کرده و اجازه نمیدهند. بدین ترتیب کارگران در هر جایی که مدیریت جدید در ادامه آن بساط تعرض قبلی قدم برمیدارد، کارگران فوراً دست به اعتراض زده و با تاکید بر اینکه نظارت شورایی حق ماست و اگر خلاف مطالبات اعلام شده ماعمل شود دست به اعتراض خواهیم زد، مقابلش می ایستند. از جمله وقتی از استخدام کارگران فصلی سرباز میزدند کارگران دست به تجمعات متعددی زدند و بالاخره موفق شدند همکاران خود را سر کار بازگردانند.

حسن صالحی: مورد

کارگران فصلی و بازگرداندن آنها به سر کار که شما به آن اشاره کردید یک موفقیت بزرگی است. کارگرانی که به هر حال قرارداد درست و حسابی نداشتند و الان صاحب قرار داد شده و به کار برگشته اند. کارگران نیشکر هفت تپه دارند از دائمی شدن استخدام آنها صحبت میکنند. تعداد این کارگران چقدر است و همبستگی با کارگران فصلی از سوی کارگران شاغل رسمی در شرکت چگونه است؟

شهلا دانشفر: کارگران

فصلی حدود دو هزار نفری هستند. که کارگران فصلی و نی برها و دفع آفات را در بر میگیرند. این کارگران بخشی از همان کارگران اعتصابی بودند که در این ۵ سال در کنار دیگر

همکاران خود برای خلع ید از اسدیگی و باند مافیایی او مبارزه کرده و خواستهای مشترکی با دیگر بخش های کارگران این مجتمع کارگری دارند و در تمام اعتراضات فعالانه شرکت داشتند. همانطور که در جریان هستید در نیشکر هفت تپه اعتراضات سازمان یافته بود. در مقاطعی با توافق خود کارگران بخش های کشاورزی و آبیاری مشغول کارشان بودند. بخاطر اینکه یک امر مهم این کارگران همواره بقای این شرکت و ادامه کشت بوده است. چون مساله کار و معیشت و زندگیشان به این شرکت گره خورده است. به این ترتیب در یک هماهنگی بسیار زیبایی این کارگران اعتصاب خود را به پیش بردند. و این نشان دهنده درجه هوشیاری و سازمانیافتگی مبارزات این کارگران را نشان میداد. از جمله کارگران نیشکر هفت تپه هر روز مجمع عمومی برپا میکردند. هر روزه مسایلی که در دستور بود و با آن مواجه بودند را به مجمع عمومی آورده و بر سر آن تصمیم گیری جمعی کرده و اگر لازم بود رای گیری میکردند. و این رای گیری در مجمع عمومی بسیار جالب بود. حتی اعلام کرده بودند که سرپرستان هر بخش حضور و غیاب خود را در همان محل تجمع و اعتصاب باید انجام دهند و این قدمی در جهت رسمیت دادن به اعتصابشان بود. بعد هم که خلع ید شد و بخشی از حقوقها را پرداخت کردند ولی کارگران فصلی هنوز به کار برگشته بودند، کارگران فصلی مرتباً تجمع میکردند و کارگران شاغل کنارشان بودند. حتی نمایندگان و مجمع نمایندگی کارگران نیشکر هفت تپه همراه با کارگران فصلی به اداره کار

مراجعه کردند و پیگیر کار آنها شدند و یا وقتی با مانع تراشی ها روبرو شدند، اعلام اعتصاب بزرگ در سطح شرکت را دادند. به این شکل همه کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت ایستادند و بعنوان یکی از مطالبات مهم خود بر بازگشت به کار کارگران فصلی تاکید کردند.

حسن صالحی: الگویی که

کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزات خود بدست دادند، الگویی بسیار موفق است. شما در نظر بگیرید که یک مجمع بزرگ کارگری هست که در آن ۵ هزار کارگر شاغل هستند. با پیشینه ها و سوابق حرفه ای، عقیدتی، فکری و قومی متفاوتی، و این ۵ هزار کارگر علیرغم برخی کارشکنی هایی که از اینطرف و آنطرف صورت گرفت، توانستند متحد بمانند و این متحد نگاهداشتن یک هنر است. یک دست مریزاد درست و حسابی باید به رهبران و فعالین کارگری در هفت تپه گفت که توانستند این اتحاد را تامین بکنند. همیشه هم موضوعاتی بوده است که میان کارگران موجب اختلاف شود و اینکه یک عده سعی کنند بر اساس مسائل پوچ و غیر وارد تفرقه افکنی کنند، اما کارگران هوشیارانه برخورد کرده و مانع شدند و رشته های اتحاد را به هم بافتند. این خود یک موضوع مهم بحث است. اما یک سوالی که برایم پیش آمد اینست که بالاترین میزان در آمد یا دستمزد کارگر در هفت تپه چقدر است؟

شهلا دانشفر: ۵ میلیون

حد اقل و فرض کنید که ۶ تا ۷ میلیون حداکثر.

حسن صالحی: این

دستمزد زیر خط فقر است. خودشان از

هفت تپه بعد از خلع ید از بخش خصوصی

صفحه ۳ - ۱۱ میلیون و ۱۲ میلیون بعنوان خط فقر صحبت کرده اند.

شهلا دانشفر: دقیقا همینطور است و این دستمزد به هیچوجه کفاف زندگی کارگران را نمیکند. اما نکاتی که در مورد الگوی مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه اشاره کردید جالب بودند. ببینید یکی از این همین تفرقه افکنی ها این بود که سعی کردند صف اعتراض کارگران را به صف عزاداری تبدیل کنند. کارگران مقابلش ایستادند و گفتند ما برای عزاداری نیامده ایم. هر کس میخواهد عزاداری کند برود مسجد، تجمع کارگران جای این کارها نیست و ما اینجا جمع شده ایم که پیگیر مطالباتمان بشویم. یا بطور مثال آمدند و گفتند کارگران فصلی بومی را سر کار میبرند. کارگران فوراً اعلام کردند که ما بومی و غیره بومی نداریم. هر کس که یک ماه هم در این شرکت کار کرده باشد. بومی است. یا بطور مثال سعی کردند سر مضحکه انتخابات اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه را به رئیسی و ستاد او وصل کنند. کارگران اعلام کردند و گفتند این انتخابات به ما ربطی ندارد. پاسخ ما تجمع ما در مقابل فرمانداری است. یعنی در مقابل کارگران نیشکر هفت تپه در برابر هر نوع تشبثات تفرقه افکنانه ای متحده ایستادند و گفتند ما جمعی تصمیم میگیرند و نگذاشتند ذره ای مبارزه آنها به انحراف کشیده شود و در صفوفشان شکافی ایجاد گردد و حقیقتا به این لحاظ نیز الگو بودند. طبعاً در هر مبارزه ای گرایشهای مختلفی وجود دارد. یکی ممکن است بخواهد رنگ مذهبی به اعتراض بزند، یکی

قومی ولی نکته مهم اینست که در نیشکر هفت تپه کارگران همه اینها را در سطح بالایی مدیریت کردند. اعلام کردند که مطالبات مشترک ما چسب اتحاد ماست. گفتند قومگرایان خود را به ما نچسبانند. گفتند که موفقیت آنها نتیجه رفت رئیسی و هیچ کسی دیگری نیست. بلکه نتیجه ۵ سال مبارزه خودشان شان بوده است و همیشه تاکیدشان بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی بوده است.

حسن صالحی: شما به مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه اشاره کردید و آن چسبی که همه کارگران را به هم فشرده کرد و کنار هم قرار داد و متحدشان کرد. بزرگترین خواست این کارگران بعد از سالها مبارزه متحقق شد. آنهم خلع ید از اسد بیگی و باند مافیایی او بود. این یک موفقیت بزرگ و بی نظیر بود. اما خود کارگران گفتند که این تازه شروع کار ماست. ما خواستها و مطالبات متعددی داریم. که شما به بخشی از آنها اشاره کردید. بد نیست مروری بر همه خواستها و مطالبات این کارگران داشته باشیم؟

شهلا دانشفر: درست است خلع ید قدم اول بود برای اینکه شرایط برای پیشبرد مطالبات اصلی که کارگران بخاطر آن دست به اعتراض زده بودند، فراهم شود. همانطور که اشاره کردم دستمزد این کارگران به روز شد. سه نفر از همکارانشان سر کار برگشتند. اما اسماعیل بخشی هنوز سر کار برنگشته و یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه بازگشت به کار اوست. مالکیت و مدیریت شرکت را تعیین کرده اند اما کارگران خواستشان شفافیت دادن و علنی کردن چگونگی این نقل و انتقال است. میخواهند

بدانند که آیا پشت پرده زد و بندی شده است یا نه که باز دو روز دیگر مجبور نشوند که به خیابان بیایند و اعتراضشان را اعلام کنند. بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران خواست دیگر آنهاست. به گفته کارگران در طول مبارزاتی که داشته اند برای ۳۰۰ نفر از آنها پرونده سازی شده است. این پرونده ها فعلاً مسکوت گذاشته شده است. اما ممکن است مدتی برای خودشان فرصت بخرند و بعد همان پرونده ها را رویاوردند.

حسن صالحی: فرزانه زیلابی وکیل این کارگران نیز یک سال حکم زندان دارد.

شهلا دانشفر: دقیقا اینطور است و از همین رویک خواست فوری کارگران مضمومه اعلام شدن پرونده وکیلشان فرزانه زیلابی است. همچنین سپیده قلیان از حامیان نیشکر هفت تپه همچنان در زندان است. او نه فقط حامی نیشکر هفت تپه بلکه کسی است که صدای اعتراض همه زندانیان و اعتراض علیه شکنجه و زندان بوده است. یک مطالبه کارگران نیشکر هفت تپه آزادی فوری و بدون قیدو شرط او است و در تجمعاتشان در حمایت از قلیان بارها شعار داده و به ادامه بازداشت وی اعتراض کرده اند. از سوی دیگر قرارداد کارگران فصلی تا اسفند ماه است. اولین قدم بازگرداندن آنها به سر کار بود و ممکن است در گام بعدی این قراردادها یکساله بشود. ولی کارگران نیشکر هفت تپه خواستار دائمی شدن قراردادهای این کارگران هستند. و در پاسخ به اینکه میگویند کار این کارگران فصلی هستند، کارگران نیشکر هفت تپه میگویند بسیار خوب در فصلی که کشت هست و آبیاری، این کارگران در مزارع کار میکنند و در باقی فصول در گوشه از این

شرکت و کار بسیار هست و میتواند قراردادهای آنها دائمی شود. در کنار همه این مطالبات یک موضوع مهم مساله افزایش سطح دستمزدها است. معاش کارگر با ۵ میلیون، ۶ میلیون، ۷ میلیون نمی گذرد. ۱۲ میلیون رقم خط فقری است که خود حکومت اعلام کرده است.

دوسال پیش هم همین رقم را گفتند و در این دوسال قیمت ها سرسام آور افزایش پیدا کرده است. در آخرین گزارشی که سازمان برنامه و بودجه منتشر کرد دیدیم که از چه ابعاد وحشتناکی از تورم اقتصادی صحبت شده بود. از ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی صحبت شده بود و الان دارند از اینکه ۵۰ درصد مردم زیر خط فقر مسکن هستند، میگویند. و قطعاً یکی از مطالبات کارگران مساله افزایش دستمزدها خواهد بود و باید به لیست خواستهای آنها اضافه شود.

حسن صالحی: ما همچنین خیر اعتراضات بازنشستگان نیشکر هفت تپه را داشتیم. لطفاً در این مورد هم توضیحی بدهید.

شهلا دانشفر: درست در هفدهم آبان ماه بازنشستگان سال ۹۹ مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به نحوه محاسبه سنوات و سایر مطالباتشان برای سومین روز در برابر ساختمان اداره کار شوش تجمع کردند. طبق خبرها ۱۲۰ کارگر بازنشسته سال ۹۹ این شرکت در محاسبه سنواتشان فقط حقوق ثابت آنان ملاک تعیین میزان مقرری قرار گرفته و مزایای حقوقی آنها به حساب نیامده است و به این ترتیب مستمری این بازنشستگان نه تنها افزایشی نداشته بلکه کاهش هم پیدا کرده است. اینها هم بخشی از کارگران نیشکر هفت تپه

هستند که بازنشست شده اند و اتفاقاً در مقاطعی از اعتراضات کارگران این مجتمع کارگری شرکت داشته و اعلام همبستگی کرده اند. در عین حال کارگران شاغل همواره پشتیبان کارگران بازنشسته بوده اند.

حسن صالحی: هفت تپه یکی از مراکز پر تپش جنبش کارگری ایران است که موفقیت های زیادی برای خود این کارگران داشته و الگوهای بسیار خوبی هم برای کل جنبش کارگری در بر داشته است. بخش های دیگر طبقه کارگر در قبال نیشکر هفت تپه چه وظایفی میتوانند داشته باشند و گام بعدی خود هفت تپه چه خواهد بود و به کدام سمت باید برود؟

شهلا دانشفر: سوال خوبیه. تا آنجا که به بخش های دیگر کارگری در سطح جامعه بر میگردد هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری است و باید آنرا حفظ کرد. حفظ هفت تپه، یعنی اجازه ندادن به تعرض به این کارگران و پشتیبانی از خواستها و مبارزات این کارگران بسیار مهم است. حفظ هفت تپه یعنی برافراشته نگاهداشتن پرچم شوراهای، حفظ هفت تپه یعنی دفاع از مبارزات جانانه و قهرمانانه این کارگران علیه اختلاس ها و دزدی ها که یک درد وسیع همه جامعه و بخش های مختلف مردم است. کارگر نفت، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری با همین بساط چپاول و دزدی درگیرند. از جمله می بینیم که صندوق بازنشستگی را خالی کرده و به یغما برده اند. بعلاوه هفت تپه سمبل اعتراض علیه شکنجه و زندان بود و حفظ هفت تپه یعنی همصدا شدن با اعتراض علیه سرکوبگری های حکومت. به عبارتی هفت تپه الگویی از صفحه ۵



هفت تپه بعد از خلع ید از بخش خصوصی

صفحه ۴ مبارزه علیه دستگیریه‌ها و بازداشت کارگران معترض بود. و بالاخره اینکه کارگران هفت تپه صدای اعتراض همه مردم بودند و در تجمعاتشان میگفتند ما نه فقط به عنوان کارگر بلکه به عنوان یک شهروند صحبت میکنیم. از جمله علیه سیاستهای جنایتکارانه حکومت در قبال کرونا ایستادند و بر واکسیناسیون سراسری و رایگان تاکید کردند. با خیزش مردمی در خوزستان علیه قطع آب همراهی کردند و سرکوب مبارزات را محکوم کردند. از مبارزات بخش های مختلف مردم از جمله معلمان دفاع کردند و با شعار "حامی مفسد هستند، از اینترنت می ترسند" اعتراض خود را به قطع اینترنت از سوی حکومت اعلام داشتند. این چنین است که کارگران نیشکر هفت تپه در قلب مردم جا دارد و همواره در حلقه حمایت مردمی قرار داشته است. بقول خود این کارگران هفت تپه به راستی پایتخت اعتصابات جهان بود و دستاوردهای آن دستاوردهای همه جامعه است و باید از مبارزات این کارگران برای پیگیری مطالباتشان با قدرت حمایت و پشتیبانی کرد. بخاطر اینکه کارگران نیشکر هفت تپه با اعتراضات خود به همه کارگران و کل جامعه راه نشان دادند و تعرض به این کارگران تعرض به کل جامعه است.

اما اجازه بدهید به بخش دوم سؤالتان نیز مختصر اشاره ای داشته باشم. اولین تاکید محکم نگاهداشتن شورایی است که این کارگران برای آن کار کردند، پایه گذاری اش کردند و آتراساختند و با اتکاء به آن حفظ اتحادشان است. نکته دوم اجازه ندادن به اینکه

مبارزاتشان بدنبال این جناح و آن جناح کشیده شود و هوشیار بودن به این مساله است و بالاخره پیگیری بودن خواستهایی که اعلام کرده اند است. بعلاوه این کارگران در حد عقب زدن تعرضاتی که به زندگی و معیشتشان شده و نجات نیشکر هفت تپه پیشروی های خوبی داشته اند. اما قدم فراتر پیش کشیدن مطالبه افزایش فوری دستمزدها است. به این لحاظ نیز بطور واقعی به زندگی آنها تعرض شده است. دستمزد ۶ میلیون و ۷ میلیونی تعرض به زندگی کارگر است. به همین دلیل این کارگران باید خواست افزایش دستمزد را با قدرت جلو بیاورند و با مبارزه متحد و قدرتمند خود همچنان الگویی باشند که مردم و کل جامعه را همراه خود داشته باشند. این کارگران خانواده ها را همراه خود دارند. مردم شهر شوش را همراه خود دارند و در موقعیت بسیار قدرتمندی برای پیگیری مطالباتشان و پیشبرد خواست افزایش دستمزدها قرار دارند. بویژه کارگران نیشکر هفت تپه این را تجربه کرده و به نیروی خود واقفند و با اتکاء به این موقعیت میتوانند به جلو گام بردارند. از جمله بطور فوری همین امروز باید بر آزادی بدون قید و شرط سپیده قلیان تاکید کرد. اسماعیل بخشی باید سرکار خود بازگردد، قرارداد کارگران فصلی باید دائمی شود و دستمزدها در حد کفاف یک زندگی انسانی افزایش یابد و اینها قدمهای مهمی است که در دستور کار کارگران نیشکر هفت تپه قرار میگیرند.

حسن صالحی: شهلا دانشفر بسیار متشکریم که در این برنامه شرکت کردید.*

اعتراضات کشاورزان در اصفهان

شهلا دانشفر
اعتراضات کشاورزان در اصفهان مدتی است که جریان دارد. اعتراض آنان به خشکی کشیده شدن زاینده رود و کاهش حقایبه و ضربه خوردن به معیشت و کارشان، به بساط مافیایی و رانت خوار واسطه ها و دلالان است که جنس را با قیمت بسیار نازل از کشاورز خریداری میکنند و در بازار با قیمت کلان میفروشند و پولهای کلانی به جیب میزنند. اعتراض آنها همچنین به قرار دادن مواد سمی و شیمیایی غیر استاندارد برای دفع آفات در اختیار آنهاست که مجبورند از آنها استفاده کنند و هم زمینشان آسیب می بیند و هم سلامتی خودشان و مردم به مخاطره می افتد. بدین ترتیب کشاورزان بخش بسیار محرومی هستند که علیرغم شرایط دشوار درآمدی چندین برابر زیر خط فقر عایدشان می شود و در فقر و فلاکت معاش میگذرانند. و این داستان زندگی نه فقط کشاورزان

در اصفهان بلکه در خوزستان و در شالیزارهای شمال و در سطح سراسری است و اعتراضات بر سر آن گسترده است. عامل و بانی این ابعاد از فقر و محرومیت رژیم مافیایی حاکم است. اما حکومت تلاش دارد با تبلیغاتی تحت عنوان اینکه آب خوزستان به اصفهان رفته است و آب اصفهان به قم مردم را به جان هم بیندازد. اما امروز مردم در سراسر ایران با دردهای مشترک در کنار هم قرار دارند و جنبش سرنگونی حلقه اتحاد همه بخشهای جامعه است. و روشن است که باید در برابر تفرقه افکنی های حکومت هوشیار بود.

نکته مهم اینجاست که امروز اعتراضات کشاورزان اصفهان همچون دیگر بخش های جامعه ابعاد گسترده ای بخود گرفته و روستا به روستای این استان را در بر میگیرد. و در

این اعتراضات کشاورزان که خوب میدانند علت و ریشه همه این فجایع چپاولگری های حکومت و بساط دزدی هایشان است، با شعارهایی چون فکر نکنی تا ابد می مانی، دارند حکم به رفتن حکومت میدهند. از جمله در این هفته شاهد تجمعات اعتراضی و راهپیمایی گسترده و با شکوه آنها در سطح شهر بودیم. در یکی از این راهپیمایی ها کشاورزان در سطح شهر در اصفهان با شعار مرگ بر تو، مرگ بر تو، مرگ بر تو که یادآور شعاری است که در روزهای پایان حکومت شاه داده میشد، شاهد صحنه درخشانی از مبارزات کشاورزان در اصفهان بودیم. این چنین است که این اعتراضات توجه وسیع مردم این شهر را بخود جلب کرده است. از خواستها و اعتراضات آنها باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

نه به جمهوری اسلامی،

آری به جمهوری سوسیالیستی!

نه به حکومت مافوق مردم،

آری به حکومت شورائی!

نه به سرمایه داری،

آری به سوسیالیسم!



بیکاری و بیمه بیکاری؛ نیاز سرمایه و مبارزه کارگران

صفحه ۱

اما کارگران خوب میدانند که چقدر این ادعا پوچ و بی پایه است چون اساسا چیزی را پوشش نمی دهد. و بلایی که بر سر این طرح خاص آورده اند نیز به گویاترین شکل بازگو کننده قوانینی است که سرمایه اسلامی شده تدوین و اجرای می کند.

از جمله ساینتهای حکومتی هر کدام به فراخور حال خود بخشی از این طرح را حذف کرده اند و این دقیقاً بلایی است که سر قانون بیمه بیکاری در آورده اند. در طرح اصلی جوانی را نشان میدهد که با هزار امید و آرزو و با خوش خیالی در تلاش برای فراگیری است به امید قوانین؛ امید واهی. در این طرح روبروی این جوان واژه بیمه بیکاری با رنگی تند ترسیم شده (در تضاد با رنگ آرام دنیای خیالی جوانک) که نشان می دهد "چتر حمایتی" کوچکی است که نه تنها پناهی نیست بلکه جوانکی در حال سقوط است. در یکی از ساینتهای حکومتی این طرح با سانسور جوانک در حال سقوط منتشر شده است و در سایت دیگر آن جوان پر امید و آن جوان در حال سقوط که در واقع آینده جوان پر شور است کلا حذف شده است. خودشان واقفند که این قانون با پوشش بسیار محدود کارگران و با مقدار ریالی بسیار ناچیزی که تحت عنوان این عنوان آنهم با هزار جور مانع تراشی ها قرار است عاید کارگر شود، ادعای "چتر حمایتی" بودن آن، بی معنی ترین ادعای ممکن است.

ماده ۱، یک منت بزرگ و تو خالی

در قانون بیمه بیکاری رژیم اسلامی سرمایه در همان ماده اول بخش وسیعی از مشمولین

آنجایی هم که مجبورند حتی را به رسمیت بشناسند چنان پر ابهام قانون را تنظیم می کنند که جای تفسیرهای زیادی باقی می ماند. در واقع برای محکم کاری با تبصره ای و یا در آیین نامه اجرایی و اگر این ها هم جواب نداد در یک بخشنامه ای یا تفاهم نامه ای بین دم و دستگاههای بورکراتیک دولتی آن حق را پایمال می کنند و تا آنجا که ممکن است آن "حق قانونی" را از حیز انتفاع ساقط میکنند و اگر این هم نشد خود قانون را دور می زنند. بهرحال هر چه که هست راه فرار از قانون کاملاً برای خودشان را باز می گذارند. البته این در همه جای جهان کنونی یکسان است، فقط شیوه اجرایی آن فرق می کند و ایران در این زمینه رکورد دارد و پیشکسوت است. و اگر یک جاهایی تیر شان به سنگ می خورد تنها دلیل آن به مبارزه کارگران و به تاریخ این مبارزه بر می گردد که تا چه حد مانع دست درازی دولتها به آن قسمت از قانون شوند که نفعی را برای کارگر در نظر گرفته است.

چتر حمایتی، امید واهی

قانون "بیمه بیکاری" فقط یک اسم است و در واقع قانونی برای ارزان تمام کردن و بی درد سر کردن بیکارسازی ها برای کارفرمایان است. به اسم قانون بیمه بیکاری و در حرف و تبلیغات عنوان های فریبنده ای مانند "چتر حمایتی" دارند. جالب است یک طرح گرافیکی دارند که بیانگر این است که بیمه بیکاری چتر حمایتی است.

از شمول این قانون حذف شده اند. طبق این ماده "کلیه مشمولین قانون تأمین اجتماعی که تابع قوانین کار و کار کشاورزی هستند مشمول مقررات این قانون می باشند." طبق این بند به صراحت و ابتدا به ساکن کلیه کارگرانی که بیمه نیستند حذف شده اند. از جمله این قانون کارگاههای زیر ده نفر که "تابع قوانین کار" نیستند را در بر نمی گیرد. و با "مناطق آزاد تجاری، ویژه اقتصادی و پارکهای علم و فناوری" از هفت دولت آزادند و کل کارگران این مناطق "تابع قوانین کار" نمی باشند. در نتیجه برای کارگران شاغل در این مناطق بیمه ای در کار نیست که کسی بخواهد به دنبال بیمه بیکاری باشد. و اینها را اضافه کنید به آماري که عباس خندان (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی و کارشناس اقتصاد) ارائه داده: "۴۳ درصد از بیکاران ایران بدون سابقه شغلی هستند که تحت پوشش بیمه بیکاری قرار نمی گیرند." بدین ترتیب شاهدیم خود قانون بی رحمانه در همان شروع یک جمعیت عظیم را از این حق محروم می کند.

سوی این موارد برای محکم کاری در تبصره ماده اول قانون

تبعی" (افراد تحت تکفل) می گردد. طبق آمار ارائه شده "بیمه شدگان اجباری با ۱۰ میلیون، ۷۸ هزار و ۷۳ نفر بیشترین تعداد بیمه شدگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی را تشکیل می دهند و بیمه شدگان خاص با ۴ میلیون و ۱۲۹ هزار و ۴۰ نفر، مقرری بگیران بیمه بیکاری با ۲۱۳ هزار و ۹۸۲ نفر و بیمه شدگان توافقی با ۱۵۸ هزار و ۹۹۳ نفر دیگر گروه های بیمه شدگان اصلی این سازمان هستند."

(در اینجا لازم است نکاتی در مورد "بیمه توافقی" ذکر کنیم. این مورد یکی از نمونه هایی است که نشان میدهد چگونه قانون مصوب خودشان را دور می زنند. به

صفحه ۷

در ماده پنج قانون بیمه بیکاری به دروغ نوشته شده است حق بیمه بیکاری "کلا توسط کارفرما تأمین و پرداخت خواهد شد." این دروغی آشکار است که ایلنا در گزارش فوق بر این دروغ تأکید می کند. کل حق بیمه ۳۰ درصد است که ۷ درصد مربوط به کارگر است و سهم کارفرما بابت حق بیمه ۲۰ درصد است و ۳ درصد هم مربوط به سهم دولت است.

کارگران جهان متحد شوید!

بیکاری و بیمه بیکاری؛ نیاز سرمایه و مبارزه کارگران

صفحه ۶

گفته "معاون توسعه و تعمیر امور بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی" در دولت روحانی بیمه توافقی ... گروه‌های مختلفی از جمله طلاب و روحانیون، اعضای سازمان نظام پزشکی، اعضای نظام دامپزشکی، مرکز وکلا، انجمن نمایندگی‌های بیمه ایران، سازمان نظام مهندسی و ... مشمول قانون تأمین اجتماعی (شمرده می شوند)، نرخ بیمه توافقی ۲۷٪ دستمزد تعیین شده است و به دلیل اینکه این افراد کارفرما و رابطه مزدبگیری با اتحادیه یا انجمن معرف آنها ندارند، مشمول بیمه بیکاری و غرامت دستمزد نخواهند بود. تا اینجا بیمه توافقی با توجه به اینکه گروههایی را که در بر میگیرد هیچ سنخیتی با کارگران ندارد، نشان از چپاول بیمه تأمین اجتماعی تحت این عنوان را دارد. اما داستان به اینجا ختم نمی شود. در کنار بیمه توافقی دستمزد توافقی هم شکل گرفته و در واقع این بیمه تعمیم پیدا کرده و کارفرمایانی از این قانون بیشترین منفعت نصیب شان می گردد. ماجرا از این قرار است کارفرما با کارگر به توافق میرسد (!!!) که "من کمتر حتی از حداقل قانون دستمزد به تو می دهم و هر وقت هم دلم خواست می دهم و در عین حال بیمه ای هم در کار نیست؛ اعتراضی هست!"

طبق گزارشی در ایلنا: "مزد و حقوق توافقی" یک ژانر رایج از قانون‌گریزی‌های کارفرمایان است که بیشتر در کارگاه‌های کوچک یا زیرپله‌ای و دور از چشم بازرسان کار و تأمین اجتماعی اتفاق می افتد؛ (خواننده اگر فکر کند که اگر

بازرسی گذرش به این کارگاهها بیفتد جانب کارگر را می گیرد سخت در اشتباه است. لازم نیست یادآور شویم که بازرسی هم به دنبال سهم خودش از استعمار کارگر است) سوژه استعمار در این ژانر، کارگران ساده و در معرض آسیب هستند که اساساً جرئت شکایت یا دادخواست ندارند. این قانونگریزی هم بخش قابل توجهی از کارگران شاغل کشور را (البته آمار دقیقی از این نوع اشتغال در کشور نداریم) از حداقل‌های مزدی، حمایتی و معیشتی محروم می‌کند و هم سازمان تأمین اجتماعی را از حق بیمه‌ای که باید بابت اشتغال این گروه دریافت می‌کرد، بی‌نصیب می‌سازد. جمله آخر گزارش فوق تنها یک چیز را بیان می‌کند که رسانه‌های سرمایه هر چقدر هم خود را مدافع کارگر نشان دهند اما دم خروس در چنین جاهایی می زند بیرون!

طبق گزارش روزنامه دنیای اقتصاد میتوان آمار ۴ میلیون و ۱۲۹ هزار و ۱۴۰ نفر تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی بدست آورد که شامل بند ۲ تبصره ماده ۱ قانون بیمه بیکاری می شوند. یعنی بیمه بیکاری به ایشان تعلق نمی گیرد. این جمعیت که زیر عنوان "بیمه شدگان خاص" قرار گرفته اند عبارتند از " زنبورداران (۳هزارنفر)، خادمین مساجد (۲۸ هزار و ۶۱۰ نفر)، باربران (

کشور داریم، دو و دو دهم میلیون نفر اشتغال ناقص یا ناپایدار دارند، حدود ۲ میلیون نفر ناامید از یافتن کار داریم که جزو جمعیت فعال نیستند، نه و هفت دهم میلیون نفر هم با اشتغال کم درآمد روبرو هستند و همچنین چهار و پنج دهم میلیون نفر هم اشتغال غیر رسمی دارند یعنی بیمه ندارند." و تا همین جا مشخص می شود که ماده یک قانون بیمه بیکاری با همه ادعایش پوک و بی معنی است.

و بند ۳ تبصره ماده یک قانون بیمه بیکاری نشان از فاشیستی بودن این قانون دارد چرا که با تحکم نوشته اند "اتباع خارجی" اصلاً نباید به مخیله شان راه دهند که می توانند بیمه بیکاری بگیرند. بسیار خوب یکی نیست پرسد مگر اتباع خارجی بیمه شده اند که بیمه بیکاری بگیرند. موقع استعمار اتباع خارجی بهانه خوبی است که پنهانی "اتباع بیگانه" به کار گرفته شوند و کمترین دستمزدها را دریافت کنند و موقع بیکاری حتی در این حد هم آدم محسوب نمی شوند.

ماده اول قانون "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی ربطی به بیمه بیکاری که خواست و حق مسلم همه کارگران بیکار اعم از زن و مرد است ندارد. این قانون نشان می دهد که این قانون توخالی ترین قانون در رابطه با کارگران است. عنوان گول زنده و فریبنده قانون بیمه بیکاری نباید کسی را

۴۲ هزار و ۵۶۵ نفر)، کارفرمایان صنفی- کارفرمایانی که اسم خود را در لیست بیمه درج می کنند- (۱۴۲ هزار و ۷۵۸ نفر)، بافندگان (۲۷۲ هزار و ۶۳۳ نفر)، اختیاری (۷۲۳ هزار و ۸۶۷ نفر) ، کارگران ساختمانی (۸۳۵ هزار و ۷۷۹ نفر)، رانندگان (۸۹۳ هزار و ۲۵۹ نفر) و حرف و مشاغل آزاد (یک میلیون و ۱۸۶ هزار و ۶۶۱ نفر)؛ از این آش شله قلمکار که باربر را با کارفرمایان یکی می گیرد که بگذریم، باید همه این آمار را اضافه کنید به جمعیت بالای یک و نیم میلیونی کارگران ساختمانی که تنها ۸۳۵ هزار و ۷۷۹ نفر این کارگران بیمه هستند که ظاهراً "تابع قانون کار" قرار دارند. اما بیمه بیکاری شامل شان نمی شود و به طبع باقی مانده جمعیت کارگران ساختمانی اصلاً بیمه نشده اند که از حق بیمه بیکاری محروم باشند. طبق گفته عباس خندان" جمعیت بزرگی در ایران نظیر افراد خود اشتغال، افراد بدون سابقه اشتغال ... از تعریف بیمه بیکاری کنار گذاشته شده و صرف نظر از این محافظه کاری در تعریف، حتی از میان بیمه شدگان اجباری تأمین اجتماعی تنها ۲ درصد تحت پوشش بیمه بیکاری هستند...." این آمار همه واقعیت نیست علاوه بر این ها وزیر کار دولت رئیسی در آبان ۱۴۰۰ از جمعیت ۲۰ میلیونی بیکار و بیمه نشده می گوید: " طبق آمارهای رسمی حدود دو و چهار دهم میلیون نفر بیکار در

فریب دهد. **مفسران قانون؛ گوشت دم دست گریه!** "بیکار از نظر این قانون بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد" این آن چیزی است که در ماده ۲ قانون بیمه بیکاری بر آن تاکید شده است. این بند پیشاپیش دارد تاکید می کند کلیه کسانی که تازه وارد "بازارکار" شده اند و "آماده کار" هستند اما کاری پیدا نکرده اند بیکار محسوب نمی شوند. بعد اما باید یکی پیدا شود "بدون میل و اراده بیکار شده" را تفسیر کند! و چه کسی بهتر از ارگانهای "بالا دستی".

ارگانی در رژیم اسلامی وجود دارد به نام "دیوان عدالت اداری" که در "دعای حقوقی" حرف آخر را می زند. علیرضا حیدری نامی که "کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی" معرفی شده در گفتگو با ایلنا می گوید: "دیوان عدالت اداری در برقراری بیمه بیکاری برای کارگرانی که قرارداد موقت دارند و در قرارداد آنها تاریخ فسخ در نظر گرفته شده است، محدودیت (شما بخوانید سد) ایجاد کرده است و تاکید دارد که این کارگران با اراده خود بیکار شده‌اند و مستحق دریافت بیمه بیکاری نیستند." به همین راحتی بخش وسیعی از کارگرانی که "تابع قانون کار" شمرده می شوند حذف شده اند؛ و نکته این جاست این دیوان به اراده خودش کاری نمی کند چون باید "اشخاص حقیقی یا حقوقی" شکایتی نزد ایشان ببرد تا در آن مورد خاص حکم صادر شود و در این مورد کارشناس مذکور سکوت کرده که شاکي کی بوده. با توجه به اینکه بیمه بیکاری قانونی است مربوط به تأمین اجتماعی اصلاً بعید نیست ارگانی مانند تأمین اجتماعی که





بیکاری و بیمه بیکاری؛ نیاز سرمایه و مبارزه کارگران

صفحه ۷

مثلاً قرار است "چتر حمایتی" روی سر کارگران باشد از دست بیکاران شکایت به آنجا برده باشد و راضی از خدمت قاضی بیرون آمده!

البته دیوان عدالت اداری قبلاً کارهای کرده که پایان قرارداد و فسخ قرارداد را، بیکاری کارگر با میل و اراده خود تفسیر کند. داستان از این قرار است در سالهای ابتدایی دهه ۷۰ بخشنامه ای از سوی وزارت کار صادر می شود که در آن "عقد قرارداد کار موقت در کارهایی با ماهیت مستمر را مجاز دانستند."

دیوان عدالت اداری دادنامه ای که مشهور به "دادنامه ۱۷۹" است را در سال ۷۵ صادر و بر بخشنامه وزارت کار مهر تایید زد. و این استارت از بین بردن امنیت شغلی کارگران با رواج انواع و اقسام قراردادهای موقت ضد کارگری است. به گزارش ایلنا "بنابراین با این پیش فرض که تاریخ فسخ قرارداد به معنای اراده فرد برای پایان قرارداد تلقی شود، به طور معمول، هیچ کارگری نمی تواند، از قانون بیمه

بیکاری استفاده کند؛ درحالیکه سهم ۳ درصد کارگر از بابت بیمه بیکاری را کارفرما به نام کارگر به صندوق بیمه بیکاری پرداخت کرده است."

و همین جا باید به این ۳ درصد حق بیمه بیکاری پرداخت. در ماده پنج قانون بیمه بیکاری به دروغ نوشته شده است حق بیمه بیکاری "کلاً توسط کارفرما تامین و پرداخت خواهد شد." این دروغی آشکار است که ایلنا در گزارش فوق بر این دروغ تاکید می کند. کل حق بیمه ۳۰ درصد است که ۷

درصد مربوط به کارگر است و سهم کارفرما بابت حق بیمه ۲۰ درصد است و ۳ درصد هم مربوط به سهم دولت است. این چیزی است که در قانون ثبت است. چیزی به اسم ۳ درصد حق بیمه بیکاری در هیچ سندی ثبت نیست. ۷ درصد سهم کارگر بدون هیچ تردیدی هر ماه از حقوق کارگر کسر می گردد. یک آیتم ثابت در فیش های حقوقی "سهم بیمه" است. اما ۲۰ درصد سهم کارفرما تنها ظاهری است. چون کارفرما به وقت محاسبه کردن هزینه های

تولید این ۲۰ درصد را به حساب کارگر ثبت می کند. در واقع بطور نامحسوس این ۲۰ درصد هم از حقوق کارگر کسر می گردد اما در فیش حقوقی ثبت نمی شود. کارفرما که می داند تامین اجتماعی به هر بهانه ای سعی دارد بیمه بیکاری به کارگر نپردازد، اگر این سهم را از جیب خودش می پرداخت پیش از هر کسی در این مورد شاکمی و طلبکار می شد که "چرا از من کسر می کنید مگر من خودم چاقم، خودم بهتر می توانم این پول را خرج کنم!"

اما سه درصد سهم دولت. در این مورد هم قبلاً دولت زخم خود را بر کارگر وارد کرده است. دولت با گرفتن مالیات تا ریال آخرش جبران مافات کرده و در عین حال این ۳ درصد را به صندوق تامین اجتماعی واریز نمی کند و درست برعکس یکی از بزرگترین بدهکاریهای دولت، بدهی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی است. (ادامه دارد...)



سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت از سرمایه داری بیمار و نکبت زده!



نه به حکومت مافوق مردم، آری به حکومت شورائی!

استار جنایت با وقاحت!

صفحه ۱
برای استار جنایت با وقاحت است. به گفته شاهد ۳۹۹ دادگاه آبان تریبونال "در جریان اعتراضات آبان ۹۸، نیروهای امنیتی و به ویژه تک‌تیراندازها از گلوله‌های دو زمانه استفاده کردند که پس از برخورد منفجر می‌شوند. این گلوله‌ها اصلاً زخمی نمی‌کنند و فقط به قصد کشتن مردم شلیک شدند". این تنها گوشه‌ای از جنایات حکومتی است که وقیحانه قربانیان خود را تروریست مینامد. هوپیمای مسافربری را به موشک می‌بندند، به اعتراف خودشان نه تنها به پا بلکه به سر هم شلیک میکنند، ۱۵۰۰ نفر کشته در عرض یک هفته را در کارنامه سپاه خود دارند، رسوا ترین جلاد حکومتی را به

ریاست جمهوری منصوب میکنند، ... و دادگاهی که گوشه ای از جنایاتشان را مستند میکند "تروریست" می‌خوانند! باید در کنار مدال جانی ترین حکومت دنیا، مدال وقیح ترین را هم به سینه این جلادان زد. جنگ مرگ و زندگی میان جامعه و حکومت جمهوری اسلامی در عرصه ای به پهنه دنیا در جریان است. حکومت با کابینه جنگی رئیسی و گله‌های بسیج و سپاه و لباس شخصیها و ارادل و اوپاش اش، و جامعه با اعتصابات گسترده کارگران و تجمعات اعتراضی بیسابقه معلمان و بازنشستگان و کشاورزان، با برگرفتن حجاب، با دشمنی به اسلام و تابوها و مقدسات اسلامی، و با دادگاه حمید نوری و آبان تریبونال در این جنگ مرگ و زندگی در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. هر دو

طرف برای بقا می‌جنگند. آیت الله‌های میلیاردی برای بقای قدرت و ثروت خود و یک جامعه ۸۰ میلیونی برای بقای زندگی! در این نبرد حکومت روز بروز حقیر تر و درمانده تر و رسوا تر، و مردم جسورتر و متحدتر و قدرتمندتر میشوند. خیزش ۹۸ به خون کشیده شد اما شکست نخورد. دادگاه آبان تریبونال، همچون دادگاه حمید نوری در استکهلم و دادگاهی که شش ماه قبل در انتاریو کانادا تشکیل شد و خامنه‌ای و سرداران سپاه را به جرم قتل عمد ۱۷۶ سرنشین پرواز ۷۵۲ محاکمه و محکوم کرد، از دستاوردهای خیزش آبان است. آبان ادامه دارد و تا پیروزی کامل بر ددمنشان حاکم ادامه خواهد داشت.

۱۲ نوامبر ۲۱



حجاب آلت قتاله است!

صفحه ۱

مشخص خواهد شد.

این قتل تکانه‌دهنده را باید در پرونده قتل جنایات حکومت اسلامی ثبت کرد و هرگز از یاد نبرد. "عامل اصلی بروز حادثه" نه "بی احتیاطی از سوی کارگر و کارفرما" بلکه زن ستیزی حکومت اسلامی کارفرمایان است. "بررسی دقیق" لازم نیست. قاتل جمهوری اسلامی و آلت قتل حجاب اسلامی است. باید قتل زنان کارگر بوسیله حجاب را نیز در کنار سرکوب مبارزات کارگری، دستگیری و زندان و به شلاق کشیدن فعالین کارگری، شلیک به کولبران و سوختن، و سوانح کاملاً قابل پیش بینی و پیشگیری که هر روزه در کارخانه‌ها رخ میدهد و هر روز جان و سلامت صدها کارگر را قربانی میکند، به کارنامه ضد زن- ضد کارگر جمهوری اسلامی افزود. مرگ دلخراش مرضیه اعلام میکند که حجاب

صرفاً سلول انفرادی زنان و دیوار آپارتمان جنسی نیست، بلکه ابزار قتل زنان کارگر نیز هست. باید این اسلحه را از دست حکومت گرفت. اکنون در برابر جنبش کارگری و نهادها و فعالین این جنبش جبهه تازه‌ای باز میشود: جبهه مبارزه علیه حجاب و علیه آپارتمان جنسی در محل کار و در کل جامعه. بگذار جانباختن مرضیه طاهریان آغاز یک تعرض گسترده جنبش کارگری دست در دست جنبش حجاب بگیران و جنبش رهانی زن علیه تمامی قوانین ضد زن، علیه حجاب اجباری، و علیه کل حکومت زن ستیز و کارگر ستیز جمهوری اسلامی باشد. تعرضی که ویدا موحدها و سحر خدایاری ها و ریحانه جباری ها و مرضیه طاهریان ها چهره ها و نمادهای آن هستند. ننگ و نفرت بر حکومت زن ستیز سرمایه داران!

۸ نوامبر ۲۱

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!



توحش و بردگی خود را بر پا نگاهدارد. از همین رو یک عرصه مهم جدال جامعه با این حکومت بر سر حجاب است. دختران انقلاب با بر زمین زدن حجاب نه گفتند به کل بساط آپارتاید جنسی. حرف کارگران پایان دادن به حجاب اجباری است که در زیر لوای آن حکومت اسلامی جنایتها کرده است. جمهوری اسلامی را با تمام سرکردگان و مافیاهایش، باید از اریکه قدرت به زیر کشید! اینها را باید محاکمه کرد.

سوانح کاری این هفته:

کارگر مصدوم حادثه کارخانه «قند هفشجان» چهارمحال جان باخت
دوشنبه ۱۷ آبان- «به گزارش خبرنگار ایلنا: یکی از کارگران حادثه کارخانه قند هفشجان واقع در استان چهارمحال بختیاری که بیستم شهریور ماه سال جاری بر اثر واژگونی گونی‌های شکر دچار جراحات و قطع نخاع شده بود، بعد از گذشت حدود دوماه بستری جان باخت. طبق اظهارات یکی از کارگران؛ از قرار معلوم این کارگر بر اثر سقوط گونی‌های کیسه شکر بر روی سرش در انبار، از ناحیه مهره گردن دچار شکستگی شده و در نتیجه آن قطع نخاع شده بود. دلیل مرگ وی نیز شدت جراحات وارده و

مشکلات تنفسی بعد از حادثه اعلام شده است. در این زمینه آرش حیدری (مسئول HSE کارخانه قند هفشجان) با ابراز تاسف از وقوع این حادثه به سایر رسانه‌ها گفته است؛ حداکثر ارتفاع کیسه‌های شکر در انبارهای کارخانه قند باید یک متر و ۸۰ سانتی‌متر باشد اما به علت تخلیه نشدن انبارها از سوی دولت دچار کمبود جا در انبارها هستیم در نتیجه ناچاریم ارتفاع کیسه‌ها را بر روی هم بالا ببریم و این مسئله برای کارگران خطرناک است.»

قبل از همه چیز ببینیم که مسئول HSE کیست و چه وظایفی به عهده دارد. گفته میشود، «این مسئول بر عملکرد ایمنی، بهداشت شغلی و محیط زیست و شناسایی مخاطرات ناشی از فعالیت‌ها و پیشگیری از حوادث و تلفات نیروی انسانی نظارت مینمایند.»

حال جا دارد از همین آقای مسئول پرسید که چه کسی اجازه داده بود کیسه‌های شکر بیشتر از

حد استاندارد یک متر و هشتاد سانتی متری انبار شود؟ چرا همین آقای مسئول مخالفت نکرده بود و پیشنهاد نداده بود که مثلاً از جاهای دیگر برای انبار شکرها استفاده کنند؟ این رژیم و کارفرمایانش به کارگران اجازه نمیدهند که تشکلهای مستقل خود را داشته باشند. اجازه نمیدهند نمایندگان راستین کارگران بر امور کارگران و محیط کارشان نظارت داشته باشند. این حق کارگران است که به محض احساس خطر، بتوانند دست از کار بکشند و خواهان رفع نواقص و خطرات بشوند. در حالیکه میبینیم که این کارفرما یا پیمانکار فرمال و روی کاغذ یکنفر با بعنوان مسئول بهداشت و ایمنی معرفی میکند، درحالیکه هر غلطی دلشان میخواهند میکنند و ککشان هم نمی‌گذرد.

اما از همه مهمتر این است که این کارگر حادثه دیده دوماه پیش دچار حادثه شده و این هفته بر اثر

مرضیه طاهریان قربانی حجاب در محیط های کار

صفحه ۱

ایمنی کار را نادیده میگیرند، تا مبادا هزینه هایی صرف کنند و از سود کلانشان کاسته شود. بدین ترتیب این کارگرانند که قربانی این حرص و ولع بی انتهای کارفرمایان و رژیم حامیش، میشوند. سهم طبقه کارگر از این جهنم اسلامی سرمایه، کارکردن و تولید هرچه بیشتر ثروت برای ایشان است. بیکاری، گرسنگی و فقر و فلاکت هیولایی است که بر زندگی اکثریت مردم سایه انداخته است. در این سیستم بردگی و توحش هزاران هزار جوان برای امرار معاش به سخت ترین کارها با کمترین دستمزدها تن داده اند با این امید که فردایی بهتر در راه است. مرضیه طاهریان هم یکی از این جوانانی بود که تلاش میکرد خود را به آن «فردای بهتر» برساند. تمام سختی‌ها را تحمل میکرد به امید اینکه پایان شب سیاه، سپیدی است. ولی آتشب آخرین شب زندگی مرضیه طاهریان شد. و عزیزانش که هر صبح بعد از کار انتظارش را میکشیدند، چشمشان به در خشک شد که مرضیه خسته و خواب‌آلود از سر کار بیاید. اما مرضیه نیامد و نیامد...

حجاب اسلامی آلت قتاله!

مرگ فجیع و دلخراش مرضیه عکس‌العمل‌های زیادی برانگیخت! خیلی‌ها رسماً اعلام کردند که قاتل جمهوری اسلامی است و آلت قتل هم حجاب اسلامی است. و مافیای خانه کارگرطبق معمول سعی کرد موج سواری کند و باریختن اشک تمساح، توجه‌ها را از سوی قاتل اصلی مرضیه‌ها منحرف کند. سعی کردند بگویند مشکل لباس کار





ملک، بر اثر مسمومیت گازی حین استفاده از بخاری بدون دودکش جان باختند... اجساد این سه کارگر به عوامل انتظامی و آتش نشانی حاضر در محل تحویل داده شد.

فاجعه ای دیگر سه جوان دیگر را به کام مرگ کشید. سه جوانی که قربانی این سیستمی شدند که فقط به فکر سود بیشتر است. میشود حدس زد که کارفرما به این کارگران اجازه داده

که در همان ساختمان در حین ساخت بخواهند. اینکار خیلی عادی است که کارگران ساختمانی بخاطر اینکه از محل زندگیشان فاصله زیادی دارند، در محل کار میخوابند. با هیچ

امکاناتی سعی میکنند شب را به روز کنند و هزینه ای بابت کرایه ماشین نپردازند. استاندارد زندگی کارگران ساختمانی در جمهوری دزد سالار اسلامی همین است. بخش زیادی از

کارگران ساختمانی این رسم زندگیشان است. بخصوص آنهایی که از شهرهای دیگر و روستاها برای کار آمده اند، فرق هم نمیکند که متولد کدام شهر یا کشور باشند. بازرسان اداره

کار و بهداشت نباید این اجازه را به کارفرمایان بدهند که کارگران را در این وضعیت قرار بدهند. استاندارد انسانی با این امکانات موجود باید کارفرما را وادار کند

که اگر کارگری غیر بومی استخدام میکند، همه امکانات را برای استراحت و سکونت موقتش را هم تامین کند.

واژگونی سرویس کارگران پیمانکاری عسلویه / یک کارگر درگذشت

یکشنبه ۲۳ آبان - به گزارش خبرنگار ایلنا، مینی بوس کارگران شرکت «اویکو» از

مرضیه طاهریان قربانی حجاب در محیط های کار

صفحه ۱۰ شدت

و کوفتگی محدود شده است. شفیع پور (مدیر روابط اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد) درباره این حادثه به ایلنا گفت: ۲۹ کارگر در این اتوبوس حضور داشته اند. رسیدگی به این موضوع در دستور کار قرار گرفته است. حال دو کارگر به دلیل شدت جراحات وارده وخیم است.

این وقت شب آدم باید در رختخواب باشد نه در جاده. این تصادف به احتمال زیاد علتش خستگی راننده تریلی بوده، یا شاید راننده سرویس کارگران معدن، اما سؤال این است که چرا باید کارگران ساعت ۲ شب

سوار سرویس باشند؟ آیا از طرف معدن به طرف خانه میرفتند یا بر عکس تازه از خانه آمده و بطرف معدن می رفتند؟

شب کاری را نباید به هیچ شکلی در صنایع و محل کارهای دیگر اجازه داد. دکترها و پرستاران بیمارستانها و یا آتش نشانان و پرسنل امدادی تنها مواردی هستند که در شیفت شب هم مجبورند که کار کنند.

مرگ سه کارگر ساختمانی بر اثر گاز گرفتگی در اصفهان

شنبه ۲۲ آبان - به گزارش ایلنا، در این حادثه که روز گذشته اتفاق افتاده، سه کارگر بین ۲۰ تا ۲۵ سال تبعه خارجی در یک ساختمان نیمه کاره در خیابان شریف واقفی، سه راه

جراحات و مشکل تنفسی جانش را از دست داده است. یعنی آیا این انسان دو ماه در بیمارستانی با مدرن ترین امکانات پزشکی تحت مداوا بوده ولی نتوانسته اند جانش را نجات بدهند؟ یا اینکه بعد از یک هفته در بیمارستان روانه خانه اش کرده اند به این امید که بهبود پیدا کند؟ در این گزارش خبری هیچ اثری از اینکه این کارگر دوماه را چگونه طی کرده است، بچشم نمیخورد. شاید دو ماه زجر کشیده است و خانواده اش حالا به خود دلداری میدهند که؛ خوب شد تمام کرد و دیگر زجر نمیکشد. این است سهم کارگران از زندگی؟

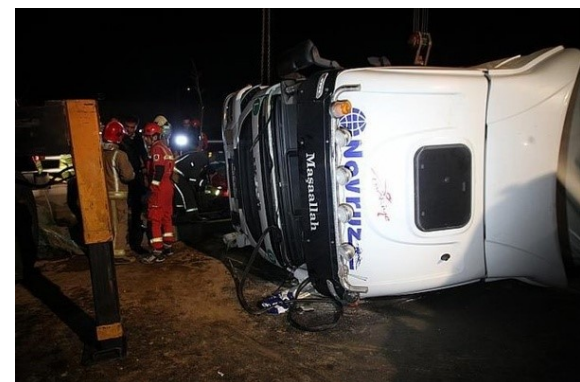
تصادف تریلی با اتوبوس کارگران معدن چادرملو

شنبه ۲۲ آبان - به گزارش خبرنگار ایلنا، حادثه تصادف یک دستگاه تریلی با اتوبوس سرویس کارگران معدن چادرملو یزد در ساعت ۲:۴۰ بامداد شنبه (۲۲ آبان) به اورژانس اصفهان

گزارش شد. به گفته کارگران منابع چادرملو، این حادثه در نزدیکی شهر ناین اتفاق افتاده است. از قرار معلوم برخورد یک دستگاه تریلی با عقب سرویس کارگران منجر به حادثه شده است. این حادثه تلفات جانی

نداشته و مصدومیت کارگرانی جزئی بوده و به شکستگی دست

هر سال در تصادفات رانندگی ۱۶ تا ۲۰ هزار نفر جانش را از دست میدهد و تعداد خیلی بیشتری دچار نقص عضو میشوند. جاده های نا امن و غیر استاندارد، وسایل نقلیه کهنه و فرسوده و سرعت های بالای برخی از رانندگان، جاده ها را به قتلگاه مردم تبدیل کرده است. علاوه بر جاده های نا امن اختصاص ماشین های غیر استاندارد و فرسوده و از رده خارج شده برای نقل و انتقال کارگران یکی دیگر از دلایل این گونه فجایع است و این یکی از موضوعات اعتراضات کارگران نفت بوده است. بدینگونه است که هیچ کنترلی بر حفظ امنیت جانی کارگران و مردم نیست و دست سرمایه داران مفتخور برای هرگونه چپاول و جنایتی باز است. باید این رژیم را از اریکه قدرت به زیربکشیم تا بتوانیم یک جامعه انسانی را خود ایجاد کرده و اداره کنیم.*



نه به جمهوری اسلامی، آری به جمهوری سوسیالیستی!



اطلاعیه خبری:

ادامه اعتراضات ۳۵۰۰ کارگر معادن زرنند کرمان و تجمعات کارکنان مخابرات سبزوار و شرکت موتورسازان تراکتور سازی تبریز

- اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ و ذغالشویی زرنند استان کرمان در اعتراض به واگذاری این معادن به بخش خصوصی (شرکت دالاهو و پیمانکاران وابسته به آن) و به خطر افتادن شغل و معیشت خود، در روز ۲۴ آبان نیز ادامه یافت و صدها نفر از کارگران مجدداً مقابل ساختمان معدن ذغال سنگ تجمع کردند. این اعتراضات از هفته گذشته آغاز شده است. متوقف شدن این واگذاری ها، دائمی شدن قراردادهای کاری، ارتقاء ضریب حقوقی از یک و نیم به ۲ و پرداخت حق بیمه، از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است. بر بنرهای کارگران در این تجمع اعتراضی نوشته شده بود: "واگذاری معادن ذغال سنگ به پیمانکار مساویست با برده داری

مدرن"، "روی کارآمدن پیمانکار مساویست با مکیدن خون کارگران". این کارگران همچنین شعار میدادند "می مانیم، میمیریم ذلت نمی پذیریم" و "پیمانکار عامل قتل کارگر". در این اعتراضات ۳۵۰۰ کارگر شرکت دارند و روزانه ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر از آنها به تनाव تجمع بر پا میکنند.

- روز دوشنبه ۲۴ آبان جمعی از کارکنان مخابرات سبزوار در اعتراض به عدم پرداخت مزایا و حقوق موقعی چند ماه گذشته خود دست به تجمع و اعتراض زدند.

- روز یکشنبه ۲۳ آبان ماه کارگران شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز در اعتراض به دستمزد پایین خود برای چندمین بار در ماه جاری تجمع کردند. افزایش حقوق، اجرای طبقه بندی مشاغل، پرداخت حق بهره وری متناسب و به روز شده، امنیت شغلی و تبدیل وضعیت قراردادهای موقت از جمله خواستههای اعلام شده کارگران در این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ آبان ۱۴۰۰، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۱



نفت اعلام کرده است.

کارگران ارکان ثالث تجمعات متعددی با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قرار دادهای داشته اند و این مطالبه همه کارگران نفت است. خلع ید از پیمانکاران، لغو قوانین ویژه مناطق اقتصادی، داشتن امنیت شغلی و دائمی شدن قراردادهای، افزایش حقوق بنا بر ارقام اعلام شده خود کارگران و تاکید بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد، پرداخت باموقع دستمزدها و تسویه حساب فوری طلبهای کارگران، توقف اخراج ها و بیکرسازیها، ایمنی محیط های کار و اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی در مقابله با بیماری مرگبار کرونا، بهبود قابل قبول وضع کمپها و غذا، پایان دان به دزدی ها و اختلاس ها و پایان دادن به امنیتی کردن فضای کاری و داشتن حق تشکل، تجمع و اعتراض از جمله مطالباتی است که کارگران نفت در طول اعتراضاتشان بارها بر روی آنها تاکید کرده اند. اعتراضات در نفت گسترده است. از خواستهها و مطالبات این کارگران باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ آبان ۱۴۰۰، ۱۵ نوامبر ۲۰۲۱

یک موفقیت مهم برای کارگران ارکان ثالث نفت در پارس جنوبی

روز یکشنبه ۲۳ آبان بدنبال اعتراضات کارگران ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزارت نفت دستور اجرای طرح اقماری ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی را برای کلیه کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاههای گاز پارس جنوبی صادر کرد. کارگران ارکان ثالث تا کنون به صورت نوبت کاری سه هفته کار و یک هفته استراحت کار میکردند و اکنون با اجرای طرح جدید آنها نیز همچون کارکنان رسمی از طرح اقماری دو به دو برخوردار میشوند و این یک پیروزی مهم برای کارگران پیمانکاری نفت است که مدتهاست به شرایط کاری خود اعتراض داشته اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت ضمن گزارش این خبر اجرای ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی را با توجه به شرایط مشقت بار کاری در مراکز نفتی را حق همه کارگران شاغل در

www.wpiran.org

www.newchannel.tv

www.rowzane.com

سایت حزب:

سایت تلویزیون کانال جدید:

سایت روزنه:

سایت کارگر کمونیست

www.wpiran.org/kargar_komonist

در تکثیر، پخش و اشاعه ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران بکوشید!

اطلاعیه خبری:

تجمعات

بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز، معلمان قزوین و نیشابور و سه خبر دیگر



- روز ۲۳ آبانماه بازنشستگان و مستمری بگیران در اهواز و در اصفهان همچون یکشنبه ههای قبل برای پیگیری مطالباتشان مقابل صندوق بازنشستگی فولاد در این دو شهر تجمع کردند. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای اعلام شده بازنشستگان فولاد در تجمعات اعتراضی بوده است. یک اعتراض دائمی بازنشستگان به سطح نازل حقوقها است که آنها را دچار محرومیتها و فشارهای زیادی ساخته است.



چندرغاز حقوق هم سر وقت پرداخت نمیشود. برای نمونه آنها مطالبات سال ۹۲ خود را دو ماه قبل دریافت کردند. آنها از سال ۹۳ وارد این طرح شده اند، و به برخورد های سلیقه ای در نحوه اجرای طرح و میزان بسیار نازل حقوقها اعتراض دارند.

- روز شنبه ۲۲ آبانماه نیروهای خرید خدمات نیشابور در پی لغو قرارداد استخدام خود پس از یکماه از فعالیت، در اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. بنا بر خبر در حالی که طی هفته گذشته خبر دعوت به کار نیروهای خرید خدمات یا همان طرح حمایتی در آموزش و پرورش نیشابور و فیروزه منتشر شد، اما تمام این افراد پیامک لغو قراردادشان را دریافت کردند. به گفته معلمان خرید خدمات اکثریت قاطع آنها تا پیش از این در مراکز آموزشی مشغول به تدریس بوده اند و اکنون در آخرین روزهای آبان ماه و پس از حدود یک ماه هنوز بلا تکلیف هستند. یکی از مطالبات

معلمان در تجمع سراسری بیستم آبانماه آنها که در ۷۴ شهر برگزار شد، تعیین تکلیف وضعیت معلمان خرید خدمات و دیگر معلمان قرارداد موقت بود که در قطعنامه خود به مناسبت این حرکت اعتراضی بر آن تاکید کردند.

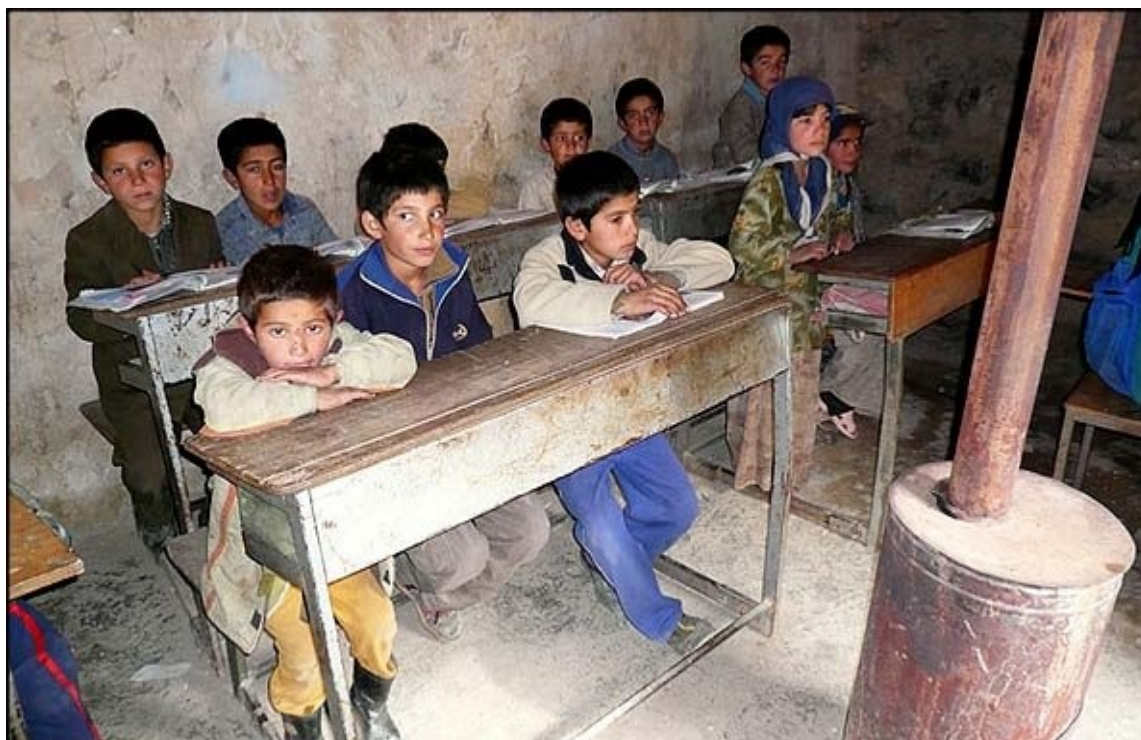
- روز یکشنبه ۲۳ آبان جمعی از رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد تهران در اعتراض به وضع اسفناک معیشتی خود و با خواست رسیدگی به مشکلات مزدی و تحویل سند مالکیت اتوبوسهایشان مقابل دادسرای کارکنان دولت واقع در میدان منیریه تجمع کردند. و سپس بصورت راهپیمایی بسوی دفتر قوه قضایی راهپیمایی کردند.

بازنشستگان هما به صندوق بازنشستگی کشوری، مقابل ساختمان اداره مرکزی فرودگاه مهرآباد تجمع کردند. به گفته بازنشستگان هما حقوق مهرماه آنان به طور کامل پرداخت نشده و تا هم اکنون مبلغ ۷ میلیون تومان آنهم در دو مرحله به حساب آنان واریز شده است.

مقامات امنیتی و نظامی شرکت کردند. و بر خواستههای خود در آنجا تاکید و پافشاری کردند. به گفته کارگران این جلسه بدون نتیجه و پاسخگویی به اعتراض آنها پایان یافت. کارگران اعلام کرده اند که کوتاه نمی آیند و به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

- روز شنبه ۲۲ آبانماه جمعی از بازنشستگان هما در اعتراض به وضعیت خود، عدم پرداخت کامل حقوق و مخالفت با انتقال صندوق

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۴۰۰، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۱



اخبار و گزارشاتی از درد و مبارزه مردم خوزستان

مردم قربانی بی امکانی

حوالی شهرستان ایذه، جایی بین استان خوزستان و چهارمحال و بختیاری، روستاهای بسیاری وجود دارند که اهالی آنها بدون داشتن ابتدایی‌ترین امکانات زندگی می‌کنند روستاهای گاوشی، آلورگ، سجو، قلّه کشکی و آبشار زردلیمه روستاها فاقد هرگونه مدرسه، برق، آب لوله کشی، گاز، جاده و پل و بهداشت و خطوط ارتباطی مخابرات می‌باشند.

ساکنین این روستاها برای تامین بسیاری از نیازهایشان از جمله دسترسی به پزشک و مراکز درمانی و همچنین خرید بسیاری از اقلام باید بیش از هفت ساعت پیاده روی بکنند و یا با استفاده از اسب و قاطر خود را به جاده اصلی برسانند. طی چند ماه گذشته چندین کودک خردسال به دلیل بیماری های جزئی مثل سرماخوردگی جانشان را از دست داده اند آنهم برای اینکه مسیر مناسب برای رسیدن به درمانگاه و درمان وجود ندارد.

راه دسترسی بسیار سخت است و شرایط جوی و سرمای منطقه شرایط زندگی را برای ساکنان دشوارتر کرده است. بویژه با آغاز بارش های پاییزی و زمستانی مسیرهای ارتباطی این روستاها کاملاً قطع میشود.

زندگی ساکنان این مناطق بسیار سخت می‌گذرد و با وجود محرومیت از هرگونه امکانات زندگی شهری و دست و پنجه نرم کردن با فقر، نداری، و بیکاری گذران زندگی با دشواریهای فراوانی روبروست. از جمله مردم روستاهای خسرج در منطقه عبدالخان نیز برای تردد از روی رودخانه کرخه و رفتن به حمیدیه با مشکلات فراوانی مواجه هستند. هیچگونه پل ارتباطی در این مسیر وجود ندارد و اهالی منطقه مجبور به استفاده از دونه (شناور) هستند که در این مسیر خطرناک امکان غرق شدن یا سرازیر شدن احشام و ماشین ها به رودخانه وجود دارد.

سال ۱۳۹۸ کلنگ پل ارتباطی در روستای خسرج و جنادله زده شده اما هنوز هم روستاییان از داشتن مسیری امن بی بهره‌اند.

ساختن جاده های امن، برخورداری تمامی روستاها از امکانات لازم زیستی در حد

استاندارد از جمله جاده های آسفالت و مسیرهای رفت و آمد امن، مدارس مناسب و به تعداد کافی، درمانگاههای مجهز با استاندارد بالای بهداشتی، و داشتن خانه های مقاوم در برابر بلایایی چون سیل و زلزله حق مسلم همه مردم است. دولت و وظیفه دارد معیشت و زندگی مرفه و فارغ از محرومیت برای همه شهروندان تامین کند.

بحران آب و نابودی معیشت کشاورزان

کشاورزان شهرستان باوی در شمال شرق اهواز، روز شنبه ۱۵ آبان مقابل درب شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ، به عدم تأمین حقا به کشت گندم و قطع آب بر روی باغات تجمع کردند.

با پایین آمدن سطح رودخانه کارون، حوضه شبکه آبیاری شمال شرق اهواز، با کمبود آب روبه رو شده است. طی روزهای گذشته

۱۳ هزار هکتار زمین، زیر شبکه آبیاری شمال شرق اهواز وجود دارد، که بیشتر به کشت گندم، کلزا و جو، سبزیجات و صیفی جات اختصاص می‌یابد.

کشاورزان منطقه ماهشهر و شادگان نیز به تامین نشدن آب برای کشت پاییزی از سد مارون اعتراض دارند. بسیاری از کشاورزان شادگانی کشت تابستانه را بنا به ممانعت سازمان آب و برق خوزستان و به علت کمبود آب ذخایر پشت سد مارون، انجام ندادند و ضرر و زیان زیادی را متحمل شدند و اکنون در صورت تامین نشدن آب کشت پاییزی، دوباره با خسارات زیادی روبرو خواهند شد.

۵۴ هزار هکتار اراضی آبی و ۱۴ هزار هکتار نخیلات منطقه شادگان با بی آبی گسترده مواجه هستند و احداث سد دوم مارون به بحران تش آب دامن خواهد زد.

طی روزهای گذشته تصاویری منتشر شد که نشان می‌دهد نخلداران منطقه به دلیل بی آبی و شوری بیش از حد آب های موجود، مجبور به فروش نخیلات خود شده اند. گفته می‌شود برخی کشورهای خلیج از جمله کویت و قطر خریداران این نخل ها بوده و در ازای هر اصله درخت نخل یک میلیون و پانصد هزار تومان به کشاورزان پرداخت می‌کنند. رئیس هیأت مدیره اتحادیه نخلداران استان خوزستان، با اعلام اینکه نخل‌های منطقه شادگان کلا تلف شده است، گفته است بالادست رود مارون سد زده اند و اصلاً آبی به شادگان نمی‌رسد. نخیلات آبادان و خرمشهر را هم آب شور از بین برده است. با این همه معاون سازمان جهاد کشاورزی خوزستان صادرات نخل از خوزستان به کشورهای دیگر را رد کرده و گفته ویدئو منتشر شده در فضای مجازی مربوط به استان خوزستان

اخبار و گزارشانی از درد و رنج و مبارزه مردم خوزستان

صفحه ۱۴ نیست.

محرومیت از درمان زندان

محروم سازی زندانیان از درمان فوری و لازم بخشی از سیاست جنایتکارانه جمهوری اسلامی در زندانهاست که در موارد متعددی به مرگ زندانیان منجر شده است. علی حلفی زندانی سیاسی محبوس در زندان مسجدسلیمان یکی از این زندانیان است که شانزده سال است بدون برخورداری از حق مرخصی در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برد. او با وجود بیماریهای قلبی، ریوی و گوارشی ناشی از حبس طولانی مدت، از دریافت خدمات درمانی محروم است و از انتقال وی به زندان اهواز ممانعت شده است.

این زندانی سیاسی، در زمان بازداشت در اثر شکنجه های شدید فیزیکی دچار شکستگی دنده های سینه شده است و البته مجبور شدن او را یک بار تحت عمل جراحی قرار دهند.

علی حلفی در سال ۱۳۸۴ به همراه شش نفر دیگر با اتهاماتی چون "عضویت در گروه های مسلحانه، اقدام علیه امنیت ملی، محاربه با خدا و مقصد فی الارض دستگیر و به حبس ابد محکوم شد. این حکم پس از اعتراض وی به سی سال زندان تقلیل یافت. او شهروند شهر حمیدیه است و بخشی از محکومیت خود را به صورت تبعید در زندان گناباد سپری

کرده است.

بازداشت فعال محیط زیست در خرمشهر

سه شنبه ۱۸ آبان ماه ۱۴۰۰، راحیل موسوی، عکاس و فعال محیط زیست توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. راحیل موسوی، ۲۷ ساله و اهل خرمشهر پیشتر نیز سابقه بازداشت داشته است. وی در تاریخ ۱۸ آذرماه ۹۵ نیز به دلیل عکسبرداری از تجمع اعتراضی نسبت به انتقال آب کارون توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت و مدتی بعد آزاد شد.

به خانواده او گفته اند که راحیل را به اتهام تصویر برداری از مناطق و اماکن حساس بازداشت کرده اند اما به طور دقیق از دلایل بازداشت، اتهامات مطروحه و محل نگهداری وی اطلاعی در دست نیست.

قتل یک زن جوان به دست پلیس

روز جمعه مورخه ۹ مهرماه، ساناز محمدیان توسط شلیک گلوله های ماموران پلیس، در حالی که به همراه همسر و فرزند سه ساله خود در اتومبیل شان بودند کشته شد. این جنایت در در خیابان مهدیس شهر اهواز اتفاق افتاده است.

میلاذ همسر ساناز درباره این جنایت تکانهنده می گوید: "روز جمعه ظهر بود که به همراه همسر ساناز و پسر ۳ ساله ام آریوبرزن سوار خودروی مان شدیم. حین سوار شدن پسرم بهانه گرفت جلو بنشیند. ساناز گفت اشکالی

ندارد و راه زیادی نیست بگذار بنشیند. راهی خانه پدرم شدیم در حالی که پسرم در صندلی جلو و ساناز در صندلی عقب نشسته بودند.

بلوار شلوغ بود برای همین توقف کامل کردم که باند آن طرف خیابان خلوت شود و حرکت کنم. در همین حین خودروی رونیز پلیس از راه رسید. یک مامور نیروی انتظامی از رونیز پیاده شد و اسلحه کلاشینکف را از دست سربازش گرفت و بدون هیچ تذکری از فاصله کمتر ای یک متری به شیشه عقب خودروی مان شلیک کرد.

میلاذ در ادامه می گوید: تیر از پشت گوش سمت چپ به سر ساناز اصابت کرده و از سمت راست سرش خارج شده بود. بیش از ۳ گلوله خورده بود. آنقدر از نزدیک به ماشین ما شلیک کردند که تمام گردنش تخریب شده بود. این حادثه بسیار تلخ و باورنکردنی در یک لحظه جلوی چشم من و پسرم که داشت با مادرش صحبت می کرد اتفاق افتاد.

بعد از فوت همسرم، عوامل انتظامی هیچ توضیحی تا امروز به من ندادند. فقط پرونده شکایت ما را به اداره بازپرسی شعبه ۳ اهواز ارجاع دادند. وقتی رفتم به آنها گفتم چرا به ما شلیک کردید. مگر ما چه کرده بودیم؟ فقط گفتند دنبال سارق مسلح بوده اند.

مقامات جنایتکار نیروی انتظامی در ابتدا از وقوع این حادثه اظهار بی اطلاعی کرده و حتی آن را تکذیب کردند اما پس از مصاحبه های میلاذ و پیگیری های وکیل آنها، فرمانده نیروی انتظامی در

توضیح این واقعه گفته است در همان منطقه خودرویی با مشخصات مشابه خودروی این خانواده اقدام به سرقت مسلحانه کرده بود و ماموران به اشتباه به طرف این خانواده شلیک کرده اند.



اعتراض کارگران لوله سازی

طی هفته ها و ماههای گذشته، کارگران بیکار شده شرکت لوله سازی خوزستان که قرار است به شرکت داروسازی تبدیل شود بارها در مقابل استانداری تجمع کرده اند. حدود ۲۰۰ نفر از کارگران از سال ۱۳۸۱ تا کنون از شرکت مطالبه دارند و حقوق آنها پرداخت نشده است.

این کارخانه در سال ۱۳۸۱ به بخش خصوصی واگذار و همین مسئله موجب وارد شدن آن به گردابی از مشکلات برای کارگران شرکت شد که تاکنون نیز لاینحل باقی مانده اند.

کارگران لوله سازی می گویند حدود بیست سال از مطالبات ما گذشته است و شرکت همچنان حق و حقوق ما را پرداخت نکرده و با هیچ کدام از ما تسویه حساب نکرده است.

به گفته کارگران و تایید یکی از مدیران شرکت، یک نفر از سهامداران این کارخانه که به عنوان مالک اصلی شرکت هم شناخته می شود، بخشهای زیادی از تجهیزات و ماشین آلات را تخریب و به

فروش رسانده و صدها میلیارد تومان از فروش اموال شرکت به جیب زده است در حالی که مجموع مطالبات کارگران نزدیک به ۱۳ میلیارد تومان است.

خرداد ماه امسال معاون پیشین استانداری خوزستان گفته بود مالک جدید این کارخانه به دنبال تغییر کاربری این کارخانه است و تغییر کاربری کارخانه لوله سازی خوزستان به یک کارخانه داروسازی از نظر استانداری خوزستان بلامانع است.

از سال ۱۳۸۸ تا کنون مالکیت این شرکت بارها بین غارتگران متعدد دست به دست شده است و مالکان جدید از اردیبهشت ماه پارسال تاکنون به بهانه رسیدگی به امور جاری، کارخانه را تعطیل، از ورود کارگران جلوگیری و حتی برخی از کارگرانی که برای درخواست حقوق به شرکت مراجعه کرده بودند را به عنوان آشوبگر به مراجع قضایی معرفی کرد که برای آنها پرونده تشکیل شده است. شرکت لوله سازی خوزستان یکی از نمونه های بارز دزدی و چپاول در محیط های کار و به نابودی کشاندن زندگی و معیشت کارگران است. یک موضوع اعتراضات کارگری در سطح جامعه اعتراض به کل بساط اختلاس و چپاول حاکم است. نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم این مبارزه و الگوی مهمی برای جنبش کارگری و کل جامعه است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان
۱۲، ۱۴۰۰، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱



اطلاعیه خبری

گزارش تکمیلی از تجمعات معلمان در پیش از هفتاد شهر

روز گذشته بیستم آبانماه معلمان در بیش از هفتاد شهر جهت پیگیری خواستهایشان دست به تجمع زدند و رکورد دیگری از اعتراضات گسترده آنان در سطح سراسری و در ادامه آبان را ثبت کردند. اجتماعات در همه جا پر شور بود و جمعیت‌های بزرگی از معلمان در شهرها و مناطق مختلف گرد آمده بودند و با

خشم و اعتراض شعار میدادند و سخنرانی میکردند. در این اعتراضات معلمان با شعارهایی چون وعده زیاد شنیدیم، عدالتی ندیدیم حکومت و دولت رئیسی را مستقیم به چالش کشیدند و بر خواستهای فوری خود پای فشردند. یک ویژگی اعتراضات معلمان در این دوره ایستادن جانانه آنها در مقابل حکومت کرونا است. از جمله معلمان علاوه بر طرح مطالبات معیشتی خود از جمله اجرای رتبه بندی برای معلمان شاغل و همسان سازی برای معلمان بازنشسته و افزایش حقوقها به بالای خط فقر دوازده میلیونی، بر خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و اجرایی کردن فوری آن

در همین ایام بحران کرونا با اختصاص اینترنت و تلفن هوشمند رایگان به همه کودکان و معلمان و فراهم کردن شرایط بازگشایی مدارس بر اساس پروتکل‌های سازمان جهانی بهداشت، به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شدند.

تجمعات معلمان در چنین ابعاد گسترده و سراسری ای در کنار اعتراضات وسیع در مراکز مختلف کارگری همچون ایران خودرو و دیگر مراکز بزرگ کارگری، اعتراضات جمعیت بزرگ کشاورزان و همراهی مردم با آنها و حجاب بر گیران در دانشگاه تهران، همراه با برپایی دادگاه بین المللی آبان که جمهوری اسلامی را به محاکمه

میکشد و دادگاه حمید نوری در استکهلم یکی از شکنجه گران حکومت اسلامی، همه اینها فشار سنگینی را بر سر حکومت اسلامی گذاشته و فضای سرنگونی و خلاصی از شر این حکومت را در همه جا دامن زده است.

در تجمع روز گذشته نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی تلاش کردند برخی از معلمان را دستگیر کنند. از جمله مسعود فرهیخته یکی از اعضای کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر پس از تجمع معلمان بازداشت شد اما فشار اعتراضات معلمان به حدی بود که ناچار شدند بلافاصله او را آزاد کنند.

معلمان یک بخش معترض و رزمنده جامعه هستند و سالهاست که علیه فقر، تبعیض و نابرابری، اختلاسها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت به پا خاسته اند و یک کارزار مهم آنها پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است که تاکید مشخص آن بسته شدن پرونده‌های امنیتی علیه معلمان، کارگران و همه فعالین سیاسی و آزادی بدون قید و شرط همه آنهاست. حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت از خواستها و مبارزات معلمان حمایت میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آبان ۱۴۰۰، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱



جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود!



خرید خدمت، آموزشیاران نهضت سواد آموزی، مربیان پیش دبستانی و معلمان حق تدریس و استخدام آنها، پرداخت پاداش خدمت بازنشستگان، پرداخت حق تدریس معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی، پایان دادن به اختلاس‌ها و شفافیت در چگونگی غارت صندوق ذخیره فرهنگیان و بازگشت منابع به آن از جمله مطالبات اعلام شده از سوی معلمان در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های تاکونونی آنهاست.

معلمان در اعتراضاتشان بر افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تاکید دارند. معلمان یک بخش معترض و رزمنده جامعه هستند و سالهاست که علیه فقر، تبعیض و نابرابری، اختلاسها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت و برای برخورداری از یک زندگی

انسانی به پا خاسته و در صف مقدم مبارزه برای خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان قرار دارند. امسال در شرایط بحران کرونا و در برابر سیاستهای جنایتکارانه حکومت معلمان بر اجرایی کردن فوری تحصیل رایگان از طریق اختصاص اینترنت و تلفن هوشمند رایگان در اختیار همه دانش آموزان و معلمان و آماده

معترض در تجمعات این روز عبارت بودند از: " معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملت"، "اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی"، "تأحق خود نگیریم از پانمی نشینیم"، "عده شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "معلم داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "با این همه هیاهو، حاصل وعده‌ها کو"، "معلم میمیرد، ذلت نمی‌پذیرد"، و "عده، وعید کافیه، سفره ما خالیه".

در این تجمعات بنرهایی در اعتراض به نابرابری‌ها، دستگیریها و تاکید بر خواست آزادی معلمان زندانی، تحصیل رایگان برای همه، اجرای رتبه بندی مشاغل که خواست فوری همه معلمان است توجه‌ها را بخود جلب میکرد. در شیراز معلمان با بدست گرفتن بنری با عکس اسماعیل عبدی خواستار آزادی فوری او شدند. در بوشهر معلمان با تاکید بر بسته شدن پرونده‌های امنیتی در نوشته‌ای بر روی بنر خود خواستار رفع اتهام از محمود ملاکی یکی از معلمان معترض این شهر شده بودند.

یک تاکید معلمان در این تجمعات حق تشکل بود و در شیراز معلمان در سخنرانی‌های خود بر پیوستن به تشکل خود یعنی کانون صنفی معلمان تاکید داشتند.

آموزش رایگان و باکیفیت برای جوانان و رفع تبعیض در آموزش، اجرای نظام رتبه بندی ۸۰ درصد حقوق هیات علمی دانشگاهها، اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، بستن پرونده‌های فعالان صنفی، رفع مشکلات معلمان

اطلاعیه خبری ۲۰ آبان: تظاهرات و تجمعات بزرگ و سراسری معلمان در ۴۸ شهر معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است

ساعت ده صبح روز ۲۰ آبان به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان در سراسر کشور دست به تجمع سراسری زده و پیگیر خواسته‌هایشان شدند. تجمعات معلمان در این روز در تهران و استان البرز مقابل مجلس اسلامی و در مراکز استانها و شهرستانها مقابل ادارات آموزش و پرورش بر پا شده است. در تدارک این روز معلمان از استانهای مختلف بیانیه داده و اعلام پیوستن به این تجمع سراسری را کرده بودند. بنا بر گزارشاتی که تاکنون بدستمان رسیده است این تجمعات در این شهرها با شرکت وسیع معلمان برگزار شده است: تهران، البرز، گناوه، قم، شیراز، زرین دشت، یاسوج، کرمانشاه، تبریز، جلفا، زنجان، ارومیه، الیگودرز، انزلی، سنقر، زیویه، مریوان، سنندج، بوکان، بروجرد، اهواز، اندیمشک، ایذه، دزفول، دورود، بابل، آمل، نکا، ساری، یزد، ماهشهر، لردگان، مشهد، ایلام، شیروان، بوشهر، پلدختر، قزوین، ملایر، مرودشت، اراک، بجنورد، همدان، خرم‌آباد، نورآباد و ممسنی، فراسیند، داراب و کوهدشت.

از جمله شعارهای معلمان

سازی مدارس برای آموزش حضوری از طریق واکسیناسیون همه معلمان و دانش آموزان بالای ۱۲ سال و اختصاص هر نیمکت به یک دانش آموز و گذاشتن ماسک و مواد ضد عفونی در اختیار دانش آموزان تاکید کرده و مطالبات کل جامعه را نمایندگی کرده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آبان ۱۴۰۰، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱



زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

بیانیه سه نهاد سیاسی در مورد سالگرد آبان ۹۸:

هم می ایستیم و هم ادامه می دهیم!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین آزادی برای کارگران زندانی و کمیته بین المللی علیه اعدام



آن، مشارکت در مراسم یادبود کشته شدگان آبان و همچنین گسترش فعالیت در شبکه های اجتماعی دومین سالگرد آبان ۹۸ را گرامی بداریم.

ما همچنین از "دادگاه بین المللی مردمی آبان" که قرار است از ۱۰ تا ۱۴ نوامبر در لندن برگزار شود و می خواهد به جرایم ۱۳۳ نفر از آمرین و عاملینی که در سرکوب و کشتار مردم در آبان ۹۸ شرکت داشتند رسیدگی کند قویا حمایت می کنیم. رئیس، رئیس جمهوری جدید حکومت اسلامی که نقش مستقیمی در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ داشته است چنان در نزد جهانیان منفور است که از او بعنوان جلاذ یاد می کنند. اخیرا او حتی از ترس دستگیری و محاکمه جرات نکرد که به گلاسگو جهت شرکت در کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل سفر کند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی طرد و منزوی شود و مقدمات محاکمه کلیه سران این رژیم ضد بشری به به جرم جنایت علیه بشریت از سوی دادگاههای بین المللی فراهم آورده شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام - International Committee Against Execution (ICAE)

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - Campaign to Free the Political Prisoners in Iran (CFPPI)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

۳ نوامبر ۲۰۲۱ - ۱۲ آبان ۱۴۰۰

نشان دادند که بر خواسته های انسانی خود ایستاده اند و به مبارزه خود تا به آخر ادامه می دهند. تداوم اعتراضات خانواده های کشته شدگان آبان، گسترش جنبش ضد اعدام، نه بزرگ مردم به مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری، اعتراض به جنایت عامدانه سرنگون کردن هوایمی مسافری اوکراینی توسط موشک های سپاه در دیماه همان سال ۹۸، دادخواهی خانواده های پرواز PS752، اعتراضات شهروندان خوزستان به بی آبی، اعتراضات وسیع و گسترده کارگران صنعت نفت و کارگران نیشکر هفت تپه و همچنین اعتراض سراسری معلمان و بازنشستگان جلوه هایی از این صف آرای مردمی در مقابل حکومت بوده اند. جامعه ایران با وجود جمهوری اسلامی نه فقط روی آسایش به خود ندیده بلکه به ورطه ویرانی گرفتار آمده است. سالگرد خیزش آبان ۹۸ فرصت دیگری است که به حکومت ویرانگر و ضد انسانی جمهوری اسلامی نه بگوئیم و عزم خود را برای به زیر کشیدن این حکومت جنایتکار مورد تاکید قرار دهیم. فراخوان ما به ایرانیان خارج کشور و همه دوستداران مردم ایران این است که در روزهای ۱۳ و ۱۴ نوامبر (۲۲ و ۲۳ آبان) در نقاط مختلف دنیا در گرامیداشت آبان ۹۸ میتینگ های اعتراضی برپا دارند و در تجمعات در لندن انگلستان و سایر کشورها شرکت و همبستگی خود را با مبارزات مردم در داخل کشور اعلام کنند. در ایران نیز لازم است به هر شکل ممکن و از جمله ابزار همراهی و همبستگی با خانواده های جانبازان آبان، شعار نویسی بر در و دیوار شهر، صدور بیانیه و اطلاعیه از سوی نهادهای مردمی، تهیه ویدئو کلیپ به این مناسبت و انتشار وسیع

در دومین سالگرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸ فراخوان ما سه نهاد کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی به همه مردم در ایران و سایر کشورها این است که با برپایی گردهمایی اعتراضی در هر جا که می توانیم و یا برگزاری مراسم در گرامیداشت یاد جانبازان آبان در همه جا خواهان محاکمه عاملین و آمرین کشتار معترضین آبان، آزادی همه دستگیرشدگان آبان و کلیه زندانیان سیاسی شویم. آبان ۹۸ را با تداوم مبارزه برای رهایی از چنگال رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی و برپایی یک جامعه شاد و انسانی گرامی بداریم.

اعتراضات مردمی آبان ۹۸ که در بیش از صد شهر برپا شد یک رخداد مهم در مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی بود. این اعتراضات بدلیل گران شدن قیمت بنزین شروع شد ولی به این محدود نماند بلکه کل نظام اسلامی حاکم بر ایران را نشانه گرفت. آنچه که مردم در این خیزش اجتماعی به نمایش گذاشتند اعتراضی به سیستم فقر، بی عدالتی، زندان، ستم و تبعیض، چپاول و خفقان و نبود آزادیهای سیاسی در جامعه بود. مردم طالب آزادی هستند. مردم خواستار زندگی انسانی با منزلت و معیشت هستند. مردم خواهان برچیدن دستگاه ستم و تبعیض و نابرابری جنسیتی هستند. مردم می خواهند و حق خود می دانند که در رفاه و خوشبختی و در جامعه ای برابر و آزاد زندگی کنند.

جمهوری اسلامی همه این امیال انسانی را از مردم ایران دریغ کرده است و وقتی شهروندان این خواستها را فریاد می زنند جواشان را با سرکوب خونین می دهد. آبان همانقدر که با آزادیخواهی مردم ایران و عزم راسخ شان برای دستیابی به آزادی و رفاه تداومی شده است به همان اندازه سرکوب خونین مردم توسط جمهوری اسلامی را به ما یادآوری می کند. ۱۵۰۰ نفر در اعتراضات آبان توسط جمهوری اسلامی بی رحمانه به قتل رسیدند. بیش از هفت هزار نفر دستگیر شدند. دستگیرشدگان مورد شکنجه های وحشیانه و قرون وسطایی قرار گرفتند بطوریکه عفو بین الملل در گزارش تکان دهنده خود از رفتار جمهوری اسلامی با دستگیرشدگان بعنوان "ویرانگری انسانیت" یاد کرد.

بعد از سرکوب خونین آبان توسط جمهوری اسلامی نه تنها اعتراضات مردمی فروکش نکرد بلکه مردم به شیوه های مختلف



**کنگره دوازدهم حزب کمونیست
کارگری ایران از روز ۱۲ تا ۱۴
آذر ماه ۱۴۰۰ (۳ تا ۵ دسامبر
۲۰۲۱) به صورت علنی و آنلاین
برگزار خواهد شد.**

ورود برای عموم آزاد است!



حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91

سرتگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!

اطلاعیه خبری:

تحصن مربیان پیش دبستانی ایزده، تجمع معلمان بازنشسته و اعتراض کارگران سابق فولاد زاگرس



- جمعی از مربیان پیش دبستانی سال ۹۷ ایزده، پس از پیگیری و اعتراضات مکرر دو شب است که مقابل استانداری خوزستان تحصن کرده‌اند و خواهان ملاقات با استاندار هستند. خواست فوری این مربیان استخدام رسمی در آموزش و پرورش است.

است تجمعات آنان در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل مراکز آموزش و پرورش انجام شود.

- روز هجدهم آبانماه حدود بیست نفر از کارگران سابق فولاد زاگرس در اعتراض به اینکه بعنوان کارگر ساده در لیست بیمه قرار داده شده‌اند و تأثیر این مساله بر وضعیت بازنشستگی شان که یک دزدی آشکار است،

به دفتر تامین اجتماعی مراجعه کرده و خواستار اصلاح فوری عنوان شغلی خود در این لیست ها شدند. به گفته کارگران سال‌هاست که در لیست بیمه آنها را بعنوان کارگر ساده رد کرده‌اند در صورتیکه شغل آنها در زمره مشاغل سخت و زیان آور است و تا وقتی وضعیت شغلی

- روز سه‌شنبه ۱۸ آبانماه جمع‌هایی از معلمان بازنشسته سال ۹۹ از شهرهای مختلف در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. این معلمان برای پیگیری مطالبات خود از شهرهای مختلف به تهران آمده‌اند. گفتنی است که ۲۰ آبان روز تجمع سراسری معلمان است و در این روز قرار

محیط های کار است. این موضوع یکی از اعتراضات کارگران پروژه ای نفت نیز هست و بارها به آن اعتراض کرده‌اند.

بسیاری از آن‌ها به همین دلیل و رد شدن اسم خود بعنوان کارگر ساده هنوز نتوانسته‌اند به حقوق مقرر خود و برخورداری از مستمری کامل دست پیدا کنند.

اعلام وضعیت شغلی کارگران به عنوان کارگر ساده در لیست بیمه یکی روش رایج اختلاس از حقوق کارگران و دزدی در

آنها در لیست بیمه تصحیح نشود آنها نمیتوانند از بازنشستگی پیش از موعد برخوردار شوند.

بنا بر خبرها بعد از تعطیلی ناگهانی این کارخانه در سال ۹۴، حدود ۴۰۰ کارگر فنی و متخصص بیکار شدند و

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۴۰۰، ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱





اعتصاب بزرگ و پرشور کارگران ایران خودرو در مشهد

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم

امروز چهارشنبه ۱۹ آبان ماه شمار زیادی از کارگران شرکت ایران خودرو در خراسان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها دست به اعتصاب زدند و در داخل کارخانه تجمع کردند.

کارگران در این حرکت اعتراضی با شعارهایی چون "کارگر داره له میشه، مدیر پولدارتر میشه"، "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، "حمایت، حمایت" و کف زدن و سوت کشیدن صحنه های درخشانی از اعتراض را آفریدند و بساط چپاولگری و استثمار وحشیانه حاکم را به چالش کشیدند. با پایان ساعت کار شیفت صبح، این کارگران خواستار پیوستن شیفت بعد از ظهر به اعتصاب شدند. با پیوستن شیفت بعد از ظهر به اعتراض کارگران شیفت صبح که به دلیل مسافت طولانی شرکت با محل زندگی خود ناچار بودند

هستند. این چنین است که در سالگرد خیزش مردمی در آبان ۹۸ و در دل یک جامعه پر از التهاب و مبارزه کارگران در ابعادی چنین گسترده در اعتراض به فقر، تبعیض و چپاولگریها علیه کل سیستم سرمایه داری وحشی حاکم عملاً دارند ادامه اعتراضات مردمی و خواسته های آبان را بازتاب میدهند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۴۰۰، ۱۰ نوامبر ۲۰۲۱

است. اعتراضات در میان کارگران هر روز گسترده تر میشود و امروز دامنه اش به مراکز بزرگی چون ماشین سازی ها رسیده است. قبل از این حرکت ما شاهد اعتراضات کارگران در ماشین سازی های اراک و تبریز و ذوب آهن اردبیل بودیم. اعتراضات گسترده در نفت، هفت تپه و معادن و تجمعات گسترده است و بازنشستگان و معلمان نیز در تدارک برگزاری تجمع سراسری خود در سراسر ایران برای فردا ۲۰ آبانماه

برافراشتن پرچم شورا بر فراز این کارخانه تاکید دارد. حزب همچنین بر دخالت و شرکت فعال خانواده ها در این اعتصاب قدرتمند تاکید میکند. حق کارگران است که فوراً دستمزدهایشان افزایش یابد و همانطور که کارگران اعتصابی نفت اعلام داشتند، دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون که خط فقر اعلام شده است، کمتر باشد. درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن و برخورداری از یک زندگی شایسته انسان حق مسلم همه کارگران و مردم

محل را ترک کنند، ادامه تجمع را به شیفت بعد از ظهر سپردند و کارخانه را ترک کرده و قول و قرار ادامه اعتراض برای روز بعد را گذاشتند. بدین ترتیب هم اکنون کارگران ایران خودرو در مشهد یک پارچه اعتراض است. حزب کمونیست کارگری حمایت وسیع خود را از مبارزات کارگران ایران خودرو در مشهد اعلام میکند و بر استفاده از دروسهای تجربه کارگران نیشکر هفت تپه و اتکاء به مجمع عمومی بعنوان مکانی برای تصمیم گیری جمعی و



هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد!

اطلاعیه خبری:

۱۷ آبان: اعتراضات کارگران سمتکو، معادن زغال سنگ و نیشکر هفت تپه



میان امنیت شغلی کارگران از بین رفته و دست کارفرمایان برای استعمار حداکثری کارگران و تعرض هر روزه به زندگی و معیشت آنان بازگذاشته میشود. کارگران به این بساط دزدی و چپاول و تعرض به زندگی خود معترضند.

- صبح روز دوشنبه ۱۷ آبانماه جمعی از کارگران بازنشسته سال ۹۹ مجتمع نیشکر هفت تپه، در اعتراض به نحوه محاسبه سنوات خود، برای سومین روز متوالی مقابل ساختمان اداره کار شهرستان شوش تجمع کردند. ۱۲۰ کارگر بازنشسته این شرکت که همگی در اسفند سال ۹۹ بازنشسته شده‌اند، به میزان و نحوه محاسبه سنوات بازنشستگی خود اعتراض دارند. به گفته این کارگران فقط حقوق ثابت آنان ملاک تعیین سنوات بازنشستگی قرار داده شده و مزایای حقوقی آنها مبنای محاسبه سنوات قرار نگرفته است و این موضوع برخلاف قوانین مصوب خود حکومت است و این در حالیست که حتی هیات عمومی "دیوان عدالت اداری" حق به کارگران داده است.



- روز دوشنبه ۱۷ آبانماه کارگران شرکت سمتکو تبریز (شرکت طراحی مهندسی و ساخت ابزار آلات سایپا) بدلیل بحرانی بودن وضع شرکت و کاهش تولید و خطر از دست دادن کار خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران این شرکت چند ماهی است مدیر عامل ندارد و روند تولید قطعات با مشکلات جدی روبرو شده است. این وضعیت نشانه ای از در پیش بودن اخراج ها و چپاولگری های پشت پرده است. کارگران خواهان تعیین تکلیف وضعیت شرکت و معیشتی خود هستند.



حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۴۰۰، ۸ نوامبر ۲۰۲۱

- کارگران معادن شرکت زغالسنگ کرمان در اعتراض به طرح خصوصی سازی این معادن روز ۱۷ آبان دست به تجمع زدند. تحت عنوان خصوصی سازی در کارخانجات دزدی ها و اختلاس هایی صورت میگیرد و در این

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

پخش زنده آنلاین:

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

پخش زنده

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

newchannel.tv/live/tv

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های

زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

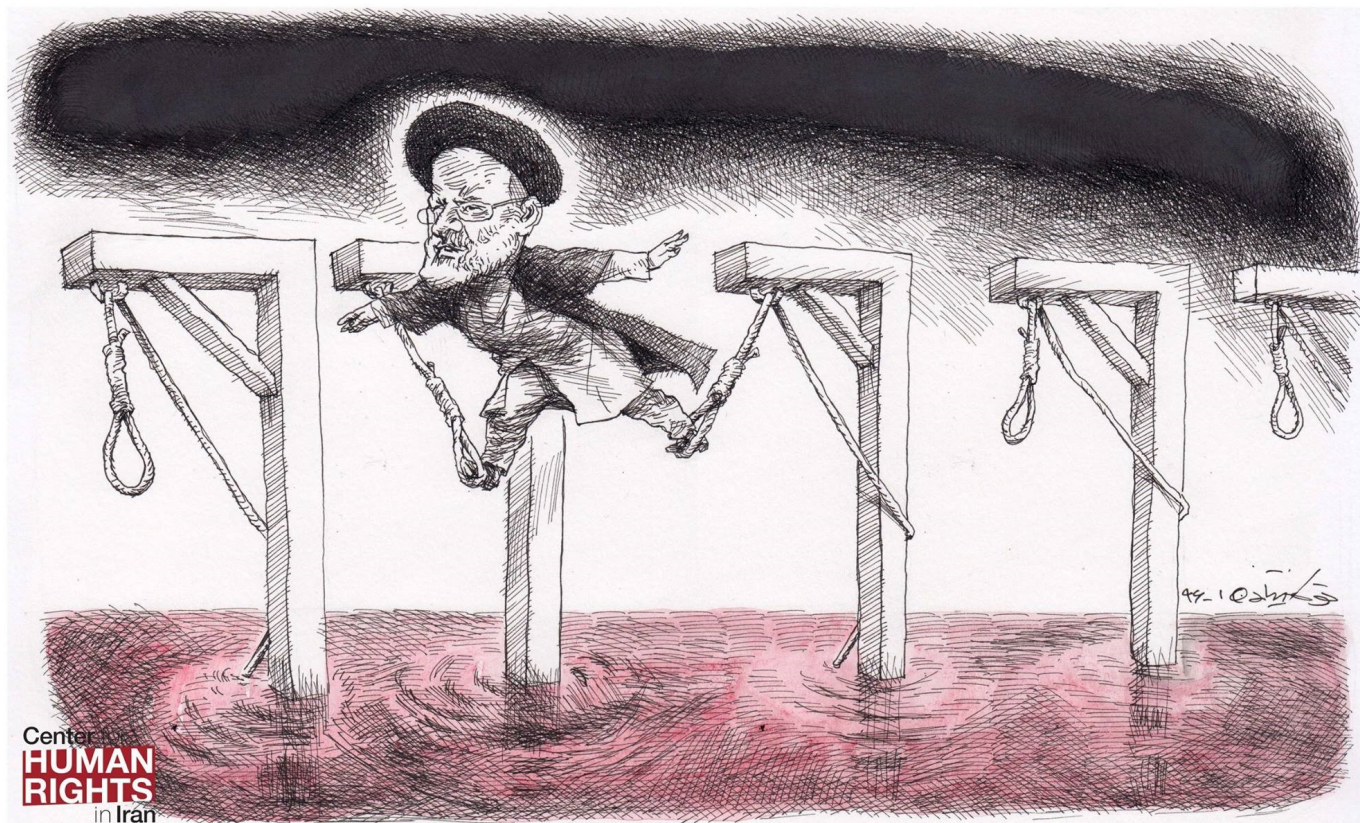
شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این جمعاعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!



سفر رئیسی به استان آذربایجان غربی را به صحنه اعتراض تبدیل کنیم

کمونیست کارگری مردم ارومیه و همه مردم استان آذربایجان غربی را فرا می خواند علیه حضور رئیسی به هر طریقی که ممکن است، دست به اعتراض بزنند. وی باید فشار اعتراض و نفرت مردم را دیده و هر کجا جرات ظاهر شدن پیدا کرده با موج مخالفت و اعتراض و طنین خواستها و مطالبات برحق مردم روبرو شود.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۴۰۰، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۱

بروند. نباید اجازه داد رئیسی در معیت و حفاظت نیروهای سرکوبگرش، براحتی به ارومیه آمده و در صدد کسب "مشروعیت" برای کل نظام برآید. باید یکدست و متحدانه علیه حضور وی دست به اعتراض زد. باید در ارومیه و دیگر شهرهای استان همان کاری را با رئیسی کرد که کارگران و مردم یاسوج با وی کردند. کمیته آذربایجان حزب

- دائمی شدن قراردادهای موقت کارگران شاغل در راه آهن غرب کشور و پتروشیمی ها
- کوتاه شدن دست پیمانکاران
- پرداخت بموقع دستمزدها
- افزایش حقوقها
- بهداشت و درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم ...

فشار اعتراض و طنین رسای شعارها و مطالبات برحق مردم در این روز باید فضا و جو را برای حکومت و عوامل مزدورش در ارومیه و هر جایی که نماینده قاتل این حکومت جرات ظاهر شدن پیدا می کند، تنگ تر نماید. مردم معترض لازم است با شعار و پلاکاردهایی که خواستهایشان را منعکس می کنند به "استقبال" رئیس جمهور حکومت آدمکشان اسلامی

انداخته و اشتغال صدها هزار نفر را در آستانه نابودی قرار دادند.
*صدها کارگر راه آهن منطقه غرب کشور، از جمله در ارومیه ماهها بلا تکلیف و بدون دستمزد و بیمه رها شده اند.
* بیش از ۱۰ هزار کلاس تخریبی و نیازمند بازسازی در استان وجود دارد که جان و امنیت صدها هزار دانش آموز را تهدید می کند.
* و.....

از همین رو لازم است از پیش آماده شد، به همدیگر خبر داد و قرار گذاشت که در روز آمدن این جنایتکار، اقشار مختلف مردم همصدا و با طرح خواستها و مطالباتشان، به "استقبال" وی بروند:
- پرداخت خسارت و تامین زندگی مردمانی که از خشک شدن دریاچه متضرر شده اند.

رسانه ها گزارش داده اند که قرار است رئیسی، آیت الله قاتل، اواخر آبان و اوایل آذر به استان آذربایجان غربی و ارومیه سفر کند. رئیسی نماینده حکومتی است که مورد نفرت و انزجار عموم مردم ایران است. مردم ارومیه و آذربایجان نیز، همانند مردم سایر مناطق ایران، دهها خواست و مطالبه و معضلات معیشتی و زیستی دارند که از طرف حکومت بی جواب مانده و زندگی مردم منطقه را به جهنم تبدیل کرده است:

* به بهانه "احیای دریاچه ارومیه" و با صرف هزاران میلیارد پول برای سد سازیهای بی رویه و طرح های انتقال آب، عملا دریاچه ارومیه را خشک کرده و یک بحران بزرگ زیست محیطی، اقلیمی و جمعیتی را رقم زده اند. و بدین طریق جان و زندگی میلیونها نفر را به خطر

مرگ بر طالبان، P/۱۵/۱
چه کابل، چه تهران

**NO TO TALIBAN REGIMES:
IN AFGHANISTAN,
IN IRAN**